

رنگ زرد: حذف شود. رنگ قرمز اضافات است

مسجد جایگاه جوان (نسل نو) است

شناخت موضوع مقدمه است خصوصاً موضوعات و معارف دینی و فرهنگی که شناختن آن اگر ما را دور نکند نزدیک نخواهد کرد علاوه بر آن اعتقاد به موضوع در معارف دینی توان انسان را چند برابر میکند در اینجا شناخت نوجوان و جوان کتاب اول ماست که در صورت تحلیل صحیح می‌تواند نظام فرهنگی کشور را تغییر دهد و مسئولان اجرایی را در سازماندهی و اجرای برنامه های فرهنگی کمک کند جوان هویت خاصی دارد که انرژی مترکم او می‌تواند با اراده و تصمیم برای رسیدن به اهداف تعیین شده قدم بردارد بدیهی است ارتباط با خدا میتواند عامل موثری در جهت تثبیت مسئولیت و وظیفه او باشد

در اسلام سن و ثروت مطرح نیست لذا جوان و غیر جوان از نظر سنی ملاک نیست و اسمی از جوان و غیر جوان در قرآن نیامده چنانچه از پیری و کهنسالی تعریف و تمجیدی نشده است لذا می‌توان گفت جوانی مطرح نیست ولی پیری آفت است

اگر کسی سجایا و اخلاقیات جوانی را ادامه دهد تا پیری، عنوان جوانمرد بر او صادق است لذا کمتر جوانان فتوت را درک می‌کنند. فتوت در پیری ظهور و بروز بیشتری دارد چون کسانی که اخلاق جوان سالم را ندارند بعد از گذشت از جوانی حالت پیری و بلکه بدتر از پیری حالت کودکی به خود می‌گیرند

کسی که در فضای غیر مسجدی از کوچه و بازار تا کارخانه و مزرعه یا از محیط های آلوده خود را کنده و به مسجد می‌رساند به معنای واقعی کلمه جوانمرد است و فرق نمی‌کند دفعات ابتدائی او باشد (باد) یا ماندگار در مسجد (عاکف) باشد یا با ماندن در مسجد جوانمردی او رشد و تعالی پیدا می‌کند

آنچه مطرح است جوان مردی و و فتوت است که دو مورد در قرآن آمده و در هر دو صورت مصادیق آن جوان نبوده‌اند اصحاب کهف و حضرت ابراهیم (ع) لذا بهتر است بگوئیم مسجد جای جوانمردان است آنها که دوست دارند پاک باشند در حالی که ممکن است از نظر سنی جون نباشند که در بین جوانان جوانمردی چنان نموداری ندارد مثل کهنسالی لذا جوانمردان تاریخ همه جوان نبوده‌اند و گاهاً پیرمردان تصمیماتی می‌گیرند که هزاران جوان از همراهی با آنها عاجز هستند.

جوان در امور اقتصادی و تجاری مشغول هستند و کهنسالان به این نتیجه رسیده اند که باید رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ<sup>۱</sup> باشند. بدین جهت جوانان نیاز به مسجدی دارد که از هرگونه منکر و آلودگی پاک باشد ولی میانسالان و کهنسالان خود را به مسجد نزدیک تر و برای بهره وری آماده ترند

اما مسجد چیست

مسجد از سجده است و بهترین عبادت و قله نماز است و تنها سجده در هر رکعت تکرار و خارج از نماز جایز است و فضیلت دارد عبادت همه موجودات تعبیر به سجده شده است الم تر ان لله یسجد له من فی السماوات و الارض لذا محل عبادت تعبیر به

<sup>۱</sup>. النور/۳۷

مسجد شده است قبل از اسلام در داستان اصحاب کهف کلمه مسجد ذکر شده است لتتخذن علیهم مسجدا مسجد یعنی جای تواضع و عبادت و نه هر عبادتی عبادت در مسجد شرط دارد عبادتی خالی از هر نوع خشونت و عبادت تنهایی در مسجد نیست چون عبادت تنهایی کیفیت ندارد هر چه شلوغ تر باشد مسجد تر است لذا مسجد محلی ثوابش کمتر است و مسجد جامع بهتر است هر چه مسجد شلوغ تر باشد ثواب آن بیشتر است لذا مسجدی که در آن تفرق باشد نماز در آن کم ثواب است مسجد محل سیاست مبتنی بر وحدت است

مسجد خانه همه مردم است و هر کس بهتر و بیشتر خدمت بکند و یا بیشتر از آن حضور بهره مند بشود موفق تر خواهد بود مصداق "رجال یحبون ان یطهروا" شناخته می شود.

مسجد، نه کودکان است، نه باشگاه جوانان است و نه آسایشگاه سالمندان بلکه مسجد "وُضِعَ لِكَافَّةِ النَّاسِ" و "هُدًى لِلنَّاسِ" و "فِيَاماً لِلنَّاسِ" است و بومی و غیر بومی در آن فرقی ندارد زن و مرد ۱ و هر کسی هر شخصیتی داشته باشد می تواند در مسجد حضور داشته باشد.

## جوانی

جوانی در مقابل پیری و کهنسالی و خردسالی است. بچه و خردسال کسی است که تصور دارد اما تصدیق ندارد و توان و عرفان ندارد می فهمد که بد و خوب چیست ولی به معنا توجهی ندارد. پیر کسی است که همه را دارد به غیر از توان جسمش با او همکاری نمی کند لذا توکلش به خدا زیاد است زیرا خودش قادر به انجام کاری نیست اما جوان کسی است که هر چه به ذهنش بیاید انجام میدهد یعنی نمی شود و نمی توانم ندارد در قرآن تعبیری به فتی است که به معنای جوانمردی است این کلمه درباره اصحاب کهف انهم فتیه امنوا بر بهم (کهف/۱۳) که همه جوان نبودند و فتی یذکرهم یقال له ابراهیم (انبیا/۶۰) که بت ها را شکست جوان نبود بلکه اینها جوانمرد بوده اند پس جوان کسی است که خصوصیات جسمی فکری و روحی او با اراده و عرفان او هماهنگ باشد چیزی که نمی تواند به فکرش آید البته بعضی پیرها جوانند انسان تا ۴۰ سالگی روح و جسمش هماهنگ است اگر روح را تربیت کرده باشد هر چه جسم فرسوده تر شود روح بزرگتر می شود مثل موشکی که از زمین بلند میشود سنگین است وقتی بالا رفت علاوه بر کم شدن جاذبه زمین مخازن سوختش را انداخته و سبک تر می شود و تند تر میرود

گرچه در قرآن اسمی از جوان نیامده ولی به جوانی اشاراتی شده است.

الف: کاربرد واژه ها و عبارات

۱. واژه فتی و مشتقات آن (فتیه، فتیات، فتیان، فتیان)<sup>۲</sup>

این واژه در معانی جوانمرد به کار می رود. بنابراین تعیین هر یک از معانی آن باید به واسطه قرائن و شواهد باشد.<sup>۳</sup>

۲. عبارت (بَلَّغَ أَشُدَّهُ)<sup>۱</sup> و (يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا)<sup>۲</sup>

---

۱. و سواء العاكف فيه والباد.....  
۲. واژه فتی در آیه ۶۰ انبیا، ۶۰ و ۶۲ کهف، ۳۰ یوسف و واژه فتیان در ۳۶ یوسف و واژه فتیه در ۱۰ و ۱۳ کهف و واژه فتیان در ۶۲ یوسف و واژه فتیات در ۲۵ و ۳۳ نساء آمده است.  
۳. می توان گفت این واژه ها در آیه ۳۰ یوسف و ۳۳ نور به معنای جوان می باشد.

"بلوغ اشد" که همان دستیابی به توانایی‌های جسمی و روحی است معمولاً اشاره به دوران جوانی دارد.

۳. واژه‌های غلام و غلمان به معنای نوجوان است.<sup>۳</sup> البته اگر قرائن و شواهد کافی وجود داشته باشد به معنای کودک (پسر بچه) نیز می‌آید

## ویژگی‌های جوان

۱. با احساس کمال در چیزی عاشق و از نداشتن کمال رنج می‌برد لذا دوست دارد عاشق باشد و از معشوق بودن متنفر است.<sup>۴</sup>
۲. پرسشگر است<sup>۵</sup> و می‌خواهد به حقیقت مطالب و میزان صحت آن‌ها پی ببرد.
۳. در نظر او هر محالی، ممکن و هر ناشدنی، شدنی است و دوست دارد از موانع عبور کند
۴. ذاکر و متوجه است و از جهل و غفلت و نسیان<sup>۶</sup> روی گردان است.
۵. طالب حقیقت و معرفت است و از سرگرمی که نتیجه آن سردرگمی و تحیر است بیزار است.<sup>۷</sup>
۶. تربیت را بیش از علم و مربی را بیش از معلم، دوست دارد.<sup>۸</sup> چون علم کتاب و ترم و کلاس دارد و تربیت این موارد را ندارد لذا معلم احاطه ندارد و مربی باید احاطه به روحیات و تفکرات جوان داشته باشد

---

۱. این ترکیب در آیات ۲۲ یوسف، ۱۴ قصص، ۱۵ احقاف آمده است.

۲. این ترکیب در آیه ۸۲ کهف آمده است.

۳. واژه غلام در آیات ۱۹ یوسف، ۷۴ و ۸۰ و ۸۲ کهف، و واژه غلمان در آیه ۲۴ طور آمده است.

و این در آیات ۴۰ آل عمران، ۵۳ حجر، ۷ و ۸ و ۱۹ و ۲۰ مریم، ۱۰۱ صافات و ۲۸ ذاریات آمده است.

۴. البته جوان نسبت به کمالات حقیقی و واقعی که دارد دوست دارد معشوق باشد نظیر دختران جوان که دوست دارند به دلیل داشتن زیبایی و جاذبه، برای جنس مخالف خود، معشوقه و یا تیزهوشان که دوست دارند مورد توجه و عشق فاقدان آن درجه از هوش قرار گیرند ولی جوان از اینکه از سوی صاحبان کمالات برتر به صورت کاذب در برابر آنچه که ندارد مورد تحسین و تمجید و عشق‌ورزی قرار بگیرد، تنفر دارد.

۵. برخی از آیات قرآنی در پاسخ به پرسش‌های مردم نازل شده و در روایات، پرسش و پاسخ زیاد داریم.

۶. عبارات نَسِيَ خَلْقَهُ (۷۸ یس)، نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَا هُ (۵۷ کهف)، نَسُوا اللَّهَ (۶۷ توبه) و نَسُوا يَوْمَ الْجِسَابِ (۲۶ ص) و نَسُوا الذِّكْرَ (۱۸ فرقان) ناظر به نسیان مخالف با فطرت انسان‌هاست.

۷. برخی حاکمان سودجو معمولاً جوانان را به ورزش و شهوترانی سرگرم می‌کنند تا از مسائل اساسی سیاسی اجتماعی فرهنگی غافل بمانند و در بزنگاه‌ها و بحران‌ها سردرگم شوند.

۸. در دانشگاه و حوزه برخی از درس‌ها را با مطالعه و بدون استاد پاس می‌کنند ولی تربیت را نمی‌شود پاس کرد.

آری راه علم را می‌شود گاهی چشم بسته هم رفت اما راه تربیت را خیر. تربیت نیاز به ابزار و وسایل خاصی و نسبت به علم امتیازاتی دارد و بین علم و تربیت باید فاصله هزار کیلومتری تصور نمود.

تربیت به علوم جهت می‌دهد لذا در بین علماء، علمای ربّانی که از تربیت بالایی برخوردار بوده‌اند توانسته‌اند نشر علم بدهند و به راستی چنین علمایی با وجود آثار و کتبی که از خود برجای گذاشته‌اند همواره خلأ وجودیشان احساس می‌شود.

۷. نوگراست و همواره خواهان اطلاعات نو و مدل‌های جدید و شیوه‌های نوین است.

۸. صریح اللهجه و اهل تقیه و مصلحت‌اندیشی نیست.<sup>۱</sup>

۹. سریع‌العمل است و چون در تفکر نیز از سرعت بالایی برخوردار می‌باشد و همین سرعت احیاناً سبب بی‌دقتی و بی‌تأملی وی می‌گردد.<sup>۲</sup>

فکرش سریع و جسمش کامل است و قهراً قهرمان فکر است نه تدبیر

۱۱. خواهان ترقی و تکامل و پیشرفت است و از دور زدن و دور خوردن فراری است

۱۲. صبر و تحملش اندک ولی توان و قدرتش زیاد است و می‌خواهد زود به نتیجه برسد و حوصله تأمل و تعمق را ندارد.<sup>۳</sup> شنبه عاشق و یکشنبه فارق است.

۱۳. چون می‌خواهد ارتباط برقرار کند از راه شوخی و لودگی وارد می‌شود لذا شوخ طبع است ولی از شوخی و مزاحی که با او می‌شود بر نمی‌تابد و نیز از کسی که حقایق را به مضحکه بگیرد، بیزار است.

۱۴. بدلیل تصور که می‌تواند بیش از اندازه بلند پروازی می‌کند و منظومه تصورات و تصدیقاتش به هم می‌ریزد و لذا در هم فرو می‌رود. این نه به خاطر کدورت و کندی اوست بلکه در حال تجدید نیرو و اصلاح تصوراتش و توان‌سازی و توان‌یابی است.<sup>۴</sup>

۱۵. صادق است و صداقت در گفتار و کردار را دوست دارد<sup>۵</sup> و از نفاق و دورویی متنفر است.<sup>۶</sup>

۱۶. الگوپذیر است و این به جهت کمال خواهی وی است<sup>۷</sup> ولی گاهی در شناخت الگوها عجله می‌کند و به دام الگوهای نامیزان می‌افتد.<sup>۱</sup>

---

امیرمؤمنان می‌فرماید: اذا مات العالم ثلیم فی الإسلام ثلماً لا یسئها إلا خلفه منه؛ هرگاه عالمی در گذرد، در اسلام، رخنه‌ای پدید خواهد آمد که هیچ‌کس جز جانشین وی، نمی‌تواند آن را پر کند؛ بصائر الدرجات، صفحه ۴، حدیث ۱۰.

۱. تجربه نشان داده است که معمولاً جوانان در دوران تحصیل در دانشگاه، شلوغ‌ترین ولی پس از اتمام تحصیلات در مرحله اشتغال به خدمت و ایفای مسئولیت، خمودترین‌اند، البته برخی نیز چنین نیستند. حضرت امام خمینی(ره) در سنین بالا به انقلاب و اقدامات اساسی دست زد؛ بدون ملاحظه کاری و تقیه کردن.

۲. و به همین دلیل است که بدخواهان و سودجویان می‌توانند او را غافلگیر و صید کنند چنانچه در جنبه‌های اقتصادی گاهی اوقات جوانان را فریب می‌دهند و آنان کارهای سخت را با اجرت کم می‌پذیرند.

۳. در پیران قضیه برعکس است.

۴. و لذا تنها به حرم و مسجد و خیابان می‌رود و از همه چیز بدش می‌آید؛ زیرا او در حال گره زدن تصورات جدید به تصدیقات قدیم است. در این مواقع نباید به او نزدیک شد و یا او را مورد ملامت و سرزنش قرار داد و از وی انتقاد کرد بلکه باید او را به حال خود گذاشت تا از این حالت عبور کند.

۵. برای همین است که از جوانان ۱۸ تا ۲۵ ساله نمی‌توان برای کارهای اطلاعاتی بهره جست.

۶. او حاضر است غلط را بپذیرد و بگوید مجموع ۲ و ۲ می‌شود ۵ اما اگر به او بگویی مجموع ۲ و ۲ می‌شود ۴ ولی تو بگو می‌شود ۵ نمی‌پذیرد. لذا منافقان صدر اسلام از جوانان نبودند و حقایق را نیز به جوانان وارونه و غلط تفهیم می‌کردند.

۷. قرآن در ضرورت وجود الگوی شایسته می‌فرماید: وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (آیه ۷ رعد) و وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ (آیه ۴۷ یونس) و در معرفی الگوهای شایسته به مسلمانان می‌فرماید: قَدْ

۱۷. حس ماجراجویی دارد. لذا در مسابقه های خطرناک و ماجراهای گوناگون شرکت می کند.

۱۸. اهل عاطفه، عشق ورزی و جانفشانی است و از خشونت و بی تفاوتی فراری است.

۱۹. انتخابگر است و در برابر تحمیل عقیده و نظر، جبهه گیری می کند.<sup>۲</sup>

۲۰. اهل خلوص و بی رنگی است.

۲۱. تشنه یقین و فراری از شک و تردید و دودلی است.

۲۲. بی باک است و از مواجه شدن با موانع هراسی به خود راه نمی دهد. هر چه مانع بزرگ تر باشد، او نیز مهاجم تر می شود و در همین گیر و دار و کِش و قوس هاست که دست به خلاقیت و ابتکار می زند.<sup>۳</sup>

۲۳. از همه اقشار جامعه، اجتماعی تر است و از حماسه و شلوغی لذت می برد. البته گاهی اوقات نیز به صورت مقطعی به انزواطلبی می گراید.

۲۴. بی پیرایه است و هیچ گونه پیرایه و وابستگی حزبی و سازمانی، صنفی و اقتصادی ندارد.<sup>۴</sup>

۲۵. اهل محبت است و تبلور محبت در غریزه جنسی او است که جوان، سرآمد آن است.

۲۶. حق پذیر است و تا پای جان در راه حفظ آن و حمایت از آن ایستادگی می کند.

جوانان و مسجد

کارکردهای مسجد با خواسته های جوانان نزدیک بلکه هماهنگ است بشرط آنکه مسجد مطهر و آلوده نباشد و جوان هم آلوده نبوده و سالم باشد چون اسلام دین جوانپسندی است و گرچه پیامبران علیهم السلام عموماً ۴۰ سالگی پیامبر می شوند و حضرت امام خمینی پیر بودند اما جوانان از آنان استقبال کردند.

۱. بهترین جوانان، جوانان مسجدی هستند.

۲. بهترین مساجد، پر جوانترین آنهاست.

جاذبه های مسجد

---

كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ (آیه ۴ ممتحنه) و لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (آیه ۲۱ احزاب).

۱. در این زمینه آیات متعددی داریم از جمله آیات ۶۶ و ۶۷ احزاب؛ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا؛ می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و از پیامبرش اطاعت می کردیم و خواهند گفت: پروردگارا ما از سران و کهنسالان خود پیروی کردیم و آنان ما را از راه راست به گمراهی کشاندند.

۲. دوست دارد عقاید و نظرات را با دلیل و منطق و آزادانه بپذیرد.

۳. لذا اکثر علما و بزرگان در شرایط ناهموار و در فقر رشد کرده و انسان هایی سختکوش بار آمده اند و اهل خوشگذرانی و راحت طلبی نبوده اند.

۴. لذا در مسائل اقتصادی، کوشا و در مسائل صنفی، صادق است و در مسائل حزبی، کم تر حضور دارد و بی جهت نیست که اکثر رؤسای احزاب از پیرمردان هستند؛ چون حزب نوعی قوانین درون گروهی دارد که جوانان از آن بیزارند؛ مثل این که هر کس جزو حزب ماست خوب و پذیرفتنی است؛ اگر چه بد باشد.

مسجد مرکز کمالات و خوبی‌ها و برکات است و جاذبه‌های راستینی دارد که جوان را شیفته خود می‌کند. مسجد باید بگونه‌ای باشد که وقتی جوان یا پیر از آن خارج می‌شود مثل شتر بیچه گم کرده تحنن داشته باشد و گمشده اش مسجد و در مسجد باشد

## ۱. پاسخ به نیازهای عالی

جوان با انرژی گسترده‌ای که خداوند در وی قرار داده است می‌تواند هویت خویش را به خوبی نشان داده و ارزش‌های مطلوبی را در خود ایجاد نماید.

هرچه ساختار وجودی جوان با دین و وحی همراهی بیش‌تری داشته باشد جوان از آرامشی بیش‌تر و روانی اصیل‌تر برخوردار می‌گردد. این ساختار جدید می‌تواند به گسترش خوبی‌ها و ارتقای سطح فعالیت‌های ارزشی در جامعه کمک کند.

مسجد مکانی است که به نیازهای عالی انسان پاسخ می‌دهد و در وی خصوصیتی را ایجاد می‌کند که می‌تواند به بازسازی خود و جامعه بپردازد.

## ۲. نگاه جامع به انسان

مسجد در تمامی ابعاد به انسان می‌نگرد و او را به صورت جامع تربیت می‌کند. مسجد مکانی است برای عبادت، کلمه‌ای است برای دانش‌افزایی، باشگاهی است برای تقویت اراده و بالاخره جایگاهی است که ارتباطات انسان را تنظیم و وجود وی را متعالی و آینده‌اش را روشن و شفاف می‌کند و او را از افسردگی و مشکلات روحی نجات می‌دهد

جوان در این مکان می‌تواند به نقطه عالی از درجات وجودی برسد و به اهداف بلند خلقت دست یازد؛ اهدافی که با عبودیت حق متجلی می‌گردد و عینیت خارجی می‌یابد.

## ۳. کانون آرامش

گرچه ذکر و یاد خدا مایه آرامش قلب‌ها است<sup>۱</sup> و نماز بالاترین و والاترین ذکر خداست<sup>۲</sup> ولی تحیت مسجد نماز و بهترین مکان برای نماز، مسجد است و نماز در غیر مسجد همانند ارتباط تلفنی با خدا و مسجد ارتباط حضوری با خداست

ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم (انا لله و انا الیه راجعون) و مسجد، خانه خداست و ما وقتی به خانه کسی می‌آییم که شاهد و ناظر بر ما و حامی و ناصر و خواهان و بلکه عاشق ماست و همه خوبی‌ها، نعمت‌ها، برکت‌ها، نصرت‌ها، و هدایت‌ها از سوی اوست، سرشار از احساس آرامش می‌شویم. لذا معصومین(ع) سفارش می‌کنند به هنگام غلبه غم و اندوه به مسجد بروید.<sup>۳</sup>

## ۴. کانون اصلاح و تربیت

---

۱. أَلَا بِيذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ سوره رعد، آیه ۲۸.

۲. أَقِمِ الصَّلَاةَ لِيذَكَّرِي؛ سوره طه، آیه ۱۴.

۳. وَ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ [ع] أَنَّهُ قَالَ: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ فَيَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ يَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَوْ مَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ «

فضای روحانی و ملکوتی مسجد زمینه‌ساز پذیرش ارزش‌های متعالی و در نتیجه تربیت دینی جوان است.

مسجد روحیه ایمان را در جوانان تقویت کرده و آنان را از نفاق و کفر و شرک رهایی می‌بخشد.

#### ۵. تعادل بخشی و نفاق زدائی

مسجد به جوان تعادل می‌بخشد و نمی‌گذارد توجیه‌گر ناملازمات، نارسایی‌ها، افراط‌ها و تفریط‌ها باشد. از این روست که منافق در مسجد جایگاهی ندارد؛ چون نه تعادل در عمل دارد، نه صداقت در گفتار، نه صراحت در موضع‌گیری، نه شفافیت در تصمیم‌گیری، نه استقامت در راه ارزش‌ها و نه....

#### ۶. طراوت بخش

- در مسجد همه چیز نو و تازه است:

در روایات آمده است که نگاه به کعبه ثواب دارد و نگاه کننده به مسجد نمی‌تواند بی بهره باشد و نشستن در مسجد بهترین لذت است و نفس کشیدن در آن فضیلت و قلب انسان را باز می‌کند (تفرجوا فی المساجد) و انسان را به سیاحت روحی می‌رساند (سیاحت امتی لزوم المساجد)

- قرآن هر چه تفسیر شود تمام نمی‌شود بلکه نکته‌هایی نو از آن کشف می‌شود که الهام‌بخش و هدایت‌آفرین است.

- سیره و روضه امام حسین و ائمه (ع) همواره زنده کننده قلب‌ها و روشنی‌بخش راه زندگانی و پشتوانه تصمیم‌های بزرگ و انقلاب‌های رهایی‌بخش است.

- در رأس برنامه‌های مسجد، یک روحانی آگاه، دانا و بصیر قرار دارد که می‌کوشد جلودار حرکت‌ها و فاتح قله‌های کمال و تعالی باشد.

- محور تعالیم مسجد، قرآن و عترت است که جوان را همگام با سایرین رو به جلو می‌برد.

#### ۷. عاشق‌پرور

عشق پایدار آن است که از معشوق آغاز شود. در مسائل غریزی، معشوق موفق و حقیقی آن کسی است که به جای دویدن دنبال عاشق، به آراسته‌سازی و جذاب‌سازی خود می‌پردازد آن‌گاه گاهی جلوه‌گری می‌کند و بذر عشق را در قلب عاشق می‌افشاند و او را عاشق و شیفته وصال خود می‌کند و می‌کوشد او را به هجران خود گرفتار سازد تا عاشق در شعله‌های سوز و گداز به عشقی ناب و پایدار دست یابد.

مسجد خیال انسان را به طرف خود می‌کشاند که خروج از مسجد برای انسان سخت می‌شود (المومن فی المسجد کالسمک فی الماء) و بودند پیامبرانی که از مسجد خارج نمی‌شدند تا در غیر مسجد نمیرند

#### ۸. مرکز تزکیه و تعلیم

مسجد جوان را ابتدا به تزکیه و پاکسازی روح فرا می‌خواند<sup>۱</sup> سپس در قلب پاک و پیراسته وی درخت علم و دانش را غرس می‌کند.

مصیبت بزرگ جامعه، مدرک‌گرایی برخی دانش‌پژوهان و دانشجویان و بی‌هویتی برخی فارغ‌التحصیلان است.

#### ۹. اتاق اندیشه

مسجد جوان را آماده تفکر و اندیشه می‌نماید. بهترین کار در مسجد فکر کردن و بالاترین کار امام مسجد به فکر واداشتن است.

جوان تحلیل‌گر است و مسجد در تحلیل وقایع، آزاده و عدالت محور است.

مسجد محل آزاداندیشی، طرح پرسش، بررسی اندیشه‌ها و مرکز اندیشه‌سازی است.

#### ۱۰. میدان انتخاب

جوان انتخاب‌گر است و از تحمیل و اجبار، گریزان و مسجد بهترین میدان برای انتخاب آزدانه و صحیح است؛ انتخاب امام، رفیق، همسفر، همکار و همسر.

مسجد مرکز شجاعت:

از آنکه جوانان انرژی زیادی دارند برای تخلیه انرژی کارهای غیر معمول می‌کنند و در این راستا گاهی موفق شده و گاهی ضربه می‌خورند اگر موفق شوند مغرور می‌شوند و اگر شکست خوردند برای همیشه منفعل می‌شوند. مسجد شجاعت را در هر چیزی می‌داند که نه غرور بگیرد و نه افسرده و منزوی شود. مسجد شجاعت را در اشجع الناس من غلب هواه و در فیه رجال یحبون ان یتطهروا می‌داند

#### ۱۱. مجمع ایدئولوگ‌ها

روح جوان ایدئولوگ طلب است و مسجد، ایده پرور و ایدئولوگ‌ساز و مجمعی از ایدئولوگ‌ها است؛ از پیامبران و امامان گرفته تا عالمان ربانی، شهدا، نخبگان، مؤمنین و مؤمنات.

#### ۱۲. مرکز زیبایی‌ها

جوان زیباپسند است و روح لطیفش تشنه زیبایی‌هاست و مسجد مرکز زیبایی‌هاست:<sup>۲</sup>

كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأَحَبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۷۵

۱. فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ؛ مستدرک الوسائل، جلد ۱۲، صفحه ۱۱۱، حدیث ۳.

۲. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ سوره اعراف، آیه ۳۱.



پربیننده ترین آثار فرهنگی همانا مساجد است که کلکسیون هنرهای معماری و خطاطی و نقاشی است

\*زیبایی نظم مسجدی‌ها - به ویژه هنگام برگزاری نماز جماعت-

\*زیبایی تمیزی و آراستگی مسجدی‌ها.

\*در کنار هم قرار گرفتن اقشار جامعه از معلم و دانش‌آموز، استاد و دانشجو، مدیر و کارمند و کوچک و بزرگ.

۱۳. کانون آزادگی و ظلم‌ستیزی

جوان احساس آزادی می‌کند و نمی‌خواهد زیر بار ظلم و ستم افراد، گروه‌ها و حکومت‌ها برود و مسجد مشوق آزادی و حریت است؛ چرا که سرسپاری به خدا به معنای سرفرازی در برابر غیر خداست و مسجد وقف آزادی بوده و کسی حق و تو و تسلط بر آن را ندارد مخصوصاً اگر آن شخص، اجنبی یا اجنبی‌پرست باشد.<sup>۱</sup> و تنها مکانی که مظلومین در آن تجمع می‌کنند تا تنها نباشند و قدرت و خرد جمعی در مقابل ظالمین داشته باشند مسجد است و تنها جائیکه سکوت در آن از فریاد علیه ظالم موثرتر است و نشستن در آن از ایستادن در مقابل ظالم موفق‌تر است مسجد است

۱۴. تحقق بخش آرمان‌ها

جوان تمامی صفات و خصلت‌های خوب - چون احسان، شجاعت، محبت و عشق - را می‌تواند از مسجد بگیرد و به تمامی آرمان‌های متعالی دست یابد.

جوانی و بلوغ

جوانی مقطعی از دوران زندگی است که پس از نوجوانی و قبل از میانسالی قرار دارد ولی بلوغ به معنای رسیدن به نوعی از فهم، قوام و استقلال است.

بنابراین ممکن است کسی جوان باشد ولی هنوز به برخی از انواع بلوغ نرسیده و یا به نوعی از بلوغ رسیده ولی هنوز تا جوانی فاصله داشته باشد.

انواع بلوغ

۱. بلوغ تکلیفی

رسیدن به این نوع از بلوغ نشانه‌هایی دارد که مهم‌ترین آن، تمام شدن ۹ سال قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران است.

۲. بلوغ جنسی

---

۱. مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛ سوره توبه، آیه ۱۷.

بیداری و شکوفا شدن غریزه جنسی نشانه رسیدن به بلوغ جنسی است.<sup>۱</sup>

### ۳. بلوغ زناشویی

در این مرحله پسر و دختر توان ازدواج و تفاهم و تشکیل زندگی مشترک را می‌یابند.<sup>۲</sup>

### ۴. بلوغ زندگی

نوعی تعهد و مسئولیت‌پذیری و توان اداره زندگی است که لازمه آن برخورداری از بلوغ عقلی و بلوغ اقتصادی است تا بتواند مستقلاً زندگی را اداره کرده و نیازی به دیگران نداشته باشد

### ۵. بلوغ خانوادگی

نوعی مهارت در تنظیم روابط و گرفتن داماد و عروس است. بگونه‌ای که نظراتش در خانواده موثر و آمادگی تعامل با بستگان و کووچکتر و بزرگتر از خود را دارد

### ۶. بلوغ اقتصادی

توان و مهارت حفظ سرمایه و جلوگیری از هدر دادن آن است.<sup>۳</sup> با رسیدن به بلوغ اقتصادی شخص از توان فکری، توان مالی، و از توان مالی، توان فکری استخراج می‌کند. ممکن است کودک ده ساله به این بلوغ رسیده باشد در حالی که مرد یا زن چهل ساله هنوز بدان دست نیافته باشد.

### ۷. بلوغ اجتماعی

آمادگی برای آینده نگری، حفظ آبرو و استفاده از تجربه‌های دیگران و مشاوره دادن به دیگران

### ۸. بلوغ سیاسی

توان درک عواقب فعالیت‌های سیاسی.<sup>۴</sup>

### ۹. بلوغ جهادی و معرفتی

رسیدن به معرفت و شناخت خدا و معصومین و جهاد در راه آن.<sup>۱</sup> الأحزاب : ۲۳ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

۱. عبارات (وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ) وَ (إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ) که در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور آمده است به همین نوع از بلوغ اشاره دارد.

۲. عبارت (حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ) در آیه ۶ سوره نساء به همین نوع بلوغ اشاره دارد.

۳. قرآن کریم درباره ایتام می‌فرماید: وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ؛ ویتیمان را بیازمایید تا آن‌گاه که به حد ازدواج برسند؛ پس اگر در آنان بصیرت و رشدی یافتید که می‌توانند براساس آن در مصرف مال خردورزی کنند، اموالشان را به آنان بدهید. (آیه ۶ نساء)

۴. مثلاً حق رأی و شرکت در انتخابات، از ۱۸ سالگی است.

تبلیغ و ارائه مطالبی که خود شخص بدان‌ها رسیده و ایمان دارد.<sup>۲</sup>

مقایسه مراکز تجمع با مساجد

برای جوانان مراکز تجمع - از پارک‌ها، تفریح‌گاه‌ها، فرهنگسراها گرفته تا حسینیه‌ها و تکایا - هرگز به مساجد نمی‌رسند. برخی از وجوه افتراق این مراکز در مقایسه با مساجد عبارتند از:

الف: مسائل اخلاقی

۱. در مراکز تجمع، آفات زبانی - چون غیبت و تهمت و تفاخر - وجود دارد ولی در مساجد، گناهان زبانی ممنوع و حرام است.<sup>۳</sup>
۲. در مراکز تجمع، برتری طلبی وجود دارد ولی در مساجد تواضع به جای تفاخر؛ می‌نشینند و مظاهر تفاخر - چون بلند بودن جایگاه ایستادن امام جماعت - ممنوع برشمرده می‌شود. (سواء العاکف فیه و الباد)
۳. در مراکز تجمع چشم و همچشمی است ولی در مساجد، مسابقه در خیرات است
۴. در مراکز تجمع، حسادت هست ولی در مساجد، تقوا و زهد مطرح است که زمینه‌های پیدایش حسادت را از بین می‌برد. فیه رجال یحبون ان یتطهروا
۵. در مراکز تجمع، لودگی و هرزگی وجود دارد ولی در مساجد، هوشیاری و خلوص و جدیت
۶. در مراکز تجمع، افت ارزش‌ها مشاهده و به دلک‌ها میدان داده می‌شود و ضد ارزش‌ها، ارزش می‌شود ولی در مساجد، ارزش‌ها احیا می‌گردد و وارسته‌ها میدان دار می‌شوند. افقه و اقراء و اعدل جلودار است
۷. در مراکز تجمع، گاهی کار به جدال می‌کشد ولی جدال و هر چه سبب هرج و مرج شود در مساجد، ممنوع است.
۸. مراکز تجمع یا مردانه است یا زنانه و یا مختلط همراه با آسیب ولی در مساجد هم مردان و هم زنان هستند بدون آسیب بلکه مفید مثل مکه.

ب: مسائل اجتماعی

۱. در مراکز تجمع، التزام باطنی به نظم وجود ندارد و نظم، صوری است و معمولاً با کمک پلیس و امثال آن نظم حکمفرما می‌شود ولی در مساجد التزام باطنی به نظم وجود دارد و آن را می‌توان در آداب ورود و خروج، منظم بودن صفوف جماعت و اطاعت از امام جماعت در رفتن به رکوع و سجود و امثال آن مشاهده کرد.
۲. در مراکز تجمع، سر و صدا زیاد است ولیکن در مسجد ممنوع است.

۱. ما هنوز به آن نرسیده و آن را نچشیده ایم. پیامبر اسلام می‌فرماید: **الْأَسُّ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا؛** مردم خوابند، وقتی مردند، بیدار می‌شوند. و قرآن کریم نیز در آیه ۱۶۹ آل عمران می‌فرماید: **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛** هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۲. کسی که نکته‌ای را که بدان نرسیده، ارائه می‌دهد نابالغ است. پیامبران با آن‌که در حد اعلا بودند اغلب پس از رسیدن به سن چهل سالگی به پیامبری مبعوث می‌شدند و به ارشاد دیگران به شکل رسمی و گسترده می‌پرداختند.

۳. ما لم یغتب. ....

۳. در مراکز تجمع، مردم به رعایت بهداشت دعوت می‌شوند ولی در مسجد باید قبل از عبادت، طاهر بود و طهارت قبل از ورود به مسجد نیز امری مستحسن قلمداد می‌شود و بدان ترغیب می‌گردد.
۴. در مراکز تجمع، شلوغی، ملال‌انگیز ولی در مساجد، سرور انگیز و دلنشین است.
۵. مراکز تجمع، تخصصی است ولی مساجد، عمومی است.
۶. در مراکز تجمع فقط جوان‌ها فعالند<sup>۱</sup> ولی در مسجد جوان‌ها هماهنگ با بقیه و البته فعال‌ترند.
۷. پیران و کهنسالان از مراکز تجمع می‌گریزند ولی در مساجد، حضوری فعال دارند.
۸. در مراکز تجمع، تجارت امری عادی است ولی در مساجد، امری مکروه برشمرده می‌شود؛ چرا که موجب اختلال می‌گردد.

### ج: مسائل سیاسی

۱. در مراکز تجمع، دسته‌بندی، جناح‌بندی و خط‌بازی وجود دارد ولی در مساجد از این شیئنت‌ها خبری نیست و وحدت، حاکم و تفرقه، ممنوع است.
۲. در مراکز تجمع، جوسازی (زنده باد و مرده باد) وجود دارد ولی در مساجد فقط خدا به بزرگی یاد می‌شود [الله اکبر] و به عنوان تکیه‌گاه واقعی معرفی می‌گردد. [ایاک نعبد و ایاک نستعین]
۳. در مراکز تجمع، به بهانه‌هایی - چون تشکیل باند و حزب - منافق، تولید و فعال می‌گردد ولی در مساجد، منافق جایگاهی ندارد و مسجد برای او چون قفس می‌ماند.<sup>۲</sup>

### امام جماعت مطلوب

- امام مسجد در حقیقت کلیه امور مذهبی در فضای مسجد را در جهت ارزش‌های اخلاقی سوق داده و ساختار تربیتی و اهل مسجد را مدیریت کند.
- با این نگاه، امام جماعتی مطلوب و مورد استقبال جوانان است که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

### الف: ویژگی‌های جسمانی

۱. خوش‌قیافه و خوش‌ترکیب باشد.
۲. پاک و نظیف و آراسته باشد.

### ب: ویژگی‌های اخلاقی

۱. خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد باشد.
۲. هنگام پاسخگویی به سئوالات جوانان، با آنان صمیمانه برخورد کند، و از عجله و شتاب‌زدگی نیز بپرهیزد.

---

۱. البته در مراکز عبادی - غیر از مساجد - معمولاً پیرمردها همه کاره‌اند ولی در فقه شیعه، موضوع و محور، جوان‌ها هستند مگر در مواردی اندک که سن بالاتر را مطرح می‌کند همانند دو امام جماعتی که در همه ویژگی‌ها با هم مساوی باشند که در نوبت آخر، امام جماعتی که مسن‌تر است ترجیح داده می‌شود.

۲. المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس.....

۳. خودش را خوب تربیت کند و با عمل، سعی در تربیت دیگران داشته باشد و کاری را که انجام نمی‌دهد و یا بدان عقیده ندارد از دیگران - به ویژه جوانان - نخواهد.

ج: ویژگی‌های مدیریتی

۱. همگان به ویژه جوانان - را در امور مسجد، شریک سازد.
۲. اهل مشورت و نظرخواهی باشد.
۳. دارای نظم و انضباط باشد.

د: ویژگی‌های ارتباط جمعی

۱. برخوردی محبت‌آمیز با کودکان و جوانان داشته باشد.
۲. بین جوانان و والدین آنها واسطه باشد.
۳. همه اهل مسجد را بطور یکسان مخاطب خود بداند و آنها را مورد خطاب قرار دهد.
۴. با اهل مسجد برخوردی پدرانانه داشته باشد.

ه: ویژگی‌های جاذبه‌ای

۱. نماز را طولانی نخواند و آن را با کارهای تبلیغی - چون سخنرانی بین دو نماز - مخلوط نکند.
۲. بکوشد مراسم مذهبی، تکراری و یا طولانی نباشد.
۳. به صورت عمومی و خصوصی به سؤالات جوانان، پاسخ دهد.
۴. در برخوردهای خود - چه در گفتار و چه در عمل - عدالت را مراعات کند.
۵. با نمازگزاران و مسجدی‌ها، برخورد جناحی نداشته باشد.
۶. جوانان را امیدوار کند و موجبات سرافرازی آنان را فراهم آورد.
۷. استقلال فکری جوانان را مد نظر داشته باشد و آنان را فعال بار بیاورد نه منفعل.
۸. در سخنرانی‌های خود به شبهات فکری و عملی جوانان توجه کرده و پاسخ‌هایی مستدل و قانع کننده ارائه دهد.
۹. در امر به معروف و نهی از منکر، معروف‌ها و منکرها را به درستی معرفی کند.

ناکارآمدی امام مسجد

بی‌توجهی به ظرافت‌ها و حساسیت‌ها از جذابیت امام مسجد می‌کاهد و او را ناکارآمد و غیر موفق می‌سازد.

برخی از عوامل مهم در ناکارآمدی امام مسجد عبارتند از:

الف: عوامل برنامه‌ای

۱. بی‌نظمی در حضور و برگزاری نماز جماعت.
۲. طولانی شدن مراسم عزا و حزن در مسجد.
۳. عدم دقت کافی در انتخاب سخنرانان و مداحان.
۴. آمیختن نماز با سخنرانی.

۵. مستند نبودن و یا مرتبط نبودن سخنرانی‌ها با نیازهای مردم.

۶. آنچه که باید گفته شود نمی‌گویند

۷. افراطی‌گری در انتخاب موضوع

۸. عدم استفاده از سوال و جواب

#### ب: عوامل محیطی

۱. عدم تغییر دکور و تزئینات مسجد و عدم تنوع در مکان نماز در روز و شب، و زمستان و تابستان در صورت امکان جایجا شود.

۲. عدم مراعات شرایط مطلوب در مورد فضا، هوا، سبزه، نور، صوت، سکوت و...

۳. عدم استفاده از تکنیک‌های جدید مثل نورپردازی، صحنه‌سازی و تنظیم صوت با استفاده از معماری مدرن.

#### ج: عوامل مدیریتی

۱. برخورد جناحی توسط مسئولان مسجد.

۲. عقده‌ای برخورد کردن با جوانان.

۳. مورد خطاب قرار ندادن جوانان و مشورت نمودن با آن‌ها توسط امام جماعت.

۴. برخورد ناپسند با کودکان و ممانعت از ورود آنان به مسجد.

۵. مطالبه کمک‌های نقدی از جوانانی که اغلب پول ندارند.

۶. عدم استفاده از ارزش‌های نهضت عاشورا جهت جذب به مسجد.

#### عوامل مسجدگریزی جوانان

۱. عوامل حکومتی

#### الف: تبلیغی

۱. مقایسه کردن وضعیت مذهبی فعلی با دوران شاه ملعون در صورتی که شاه، ادعای اسلامی بودن نداشت ولی ما با دادن شهدا و داشتن امام چنین ادعایی را داریم.

۲. مقایسه کردن حکومت اسلامی با حکومت حضرت علی(ع) در صورتی که شرایط ما به حکومت سلیمانی نزدیک‌تر است تا به حکومت علوی.

۳. تبلیغ نکردن از متدینین و مسجدی‌ها به اندازه ورزشکاران.<sup>۱</sup>

۴. تبلیغ بی‌رویه از فرهنگ‌سراها، ورزشگاه‌ها و مراکز فرهنگی دیگر در مقابل مسجد - مخصوصاً توسط دولت‌مردان و مسئولان فرهنگی کشور - و از این بدتر، حضور روحانی در این مراکز است که مسجدی‌ها را بی‌رمق می‌کند.

۵. رقیب‌تراشی برای مسجد با عباراتی توهین‌آمیز توسط مبلغان و رسانه‌ها نظیر (مدرسه‌سازی بهتر از مسجد سازی است) و یا (چراغی که به خانه رواست به مسجد، حرام است).<sup>۱</sup>

۱. با اینکه "أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ"؛ مستدرک الوسائل، جلد ۱۲، صفحه ۱۱۱، حدیث ۳.

۶. عدم تبیین جایگاه و کاربردهای مسجد توسط رسانه‌های مختلف و رقیب.
۷. عدم تلاش در تحریک مردم به ترمیم خرابی‌ها و حضور فعال در مساجد.
۸. توجیه کردن تقصیرها و ضعف‌های سیاسی با اهرم دین و افزایش نفرت از دین در بین جوانان.
۹. جعل حدیث در فضیلت نماز خواندن در غیر مساجد - مثل نمازخانه‌ها، مصلاها و حسینیه‌ها - و کاستن از رونق مساجد.
۱۰. تبلیغات سوء دشمنان علیه مسجد و امام جماعت.

#### ب: اداری

۱. موازی بودن ارگان‌های مرتبط با مسجد و عدم هماهنگی آن‌ها مثل اداره ارشاد و سازمان تبلیغات و بسیج.
۲. بیگانه بودن ارگان‌های مرتبط با جوانان - مثل سازمان ملی جوانان، تربیت بدنی و سازمان دانش‌آموزی و کانون‌ها - با مسجد.<sup>۲</sup>
۳. عدم بازرسی مراکز و نهادهای مربوطه از وضعیت بهداشت و عمران مساجد.
۴. گیردادن به مسجد و مسجدی‌ها در همه امور - از اخاذی دولت گرفته تا هزینه‌های دینی؛ هرکس می‌آید در تیررس مطالبات فرهنگی و دینی قرار می‌گیرد.
۵. بی‌توجهی و بی‌رغبتی مسئولان به کمک کردن به مردم در ساخت و تجهیز مساجد.
۶. ناهماهنگی سیستم اداری و آموزشی و تجاری با وقت نماز و حضور در مسجد.

#### ج: مدیریتی

۱. عدم برخورد با کسانی که آثار و موقوفات مسجد را تغییر داده و حتی نام مسجد را هم عوض می‌کنند.<sup>۳</sup>
۲. رها کردن مسجد از سوی اغلب اسوه‌های دینی - مراجع عظام و روحانیون معروف - و برگزاری نماز در غیر مساجد.
۳. عدم شرکت فعال مسئولان نظام در مسجد - حتی در حد یک شهروند معمولی -.
۴. سردرگم کردن جوانان در مورد مکان ذکر و نماز در نمازخانه‌ها و مصلاها و حسینیه‌ها در حالی که فطرت جوانان، تمرکز خواه است و اسلام هم یک مرکز را معرفی کرده و آن هم مسجد است.
۵. عدم توجه مطلوب به دینداران در نوع برخوردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداری.
۶. ترتیب اثر ندادن و یا عدم برخورد جدی با مسجد و امام جماعت.
۷. نامعلوم بودن مسئول برداشتن روحانی بد از مسجد.

#### د: برنامه‌ای

۱. بی‌ربط بودن برخی کتب درسی با فرهنگ دینداری.
۲. عقیده نداشتن و ناکارآمدی برخی معلمان و مربیان دینی.

۱. این‌گونه عبارات و ضرب‌المثل‌ها از تلاش دشمنان در منزوی کردن مسجد و معرفی رقبایی برای آن خبر می‌دهد.
۲. عمده این ارگان‌ها نه تنها توجهی به آشناسازی جوانان با مسجد ندارند که با پرکردن اوقات آنان، فرصتی برای شناخت مسجد به جوانان نمی‌دهند.
۳. مثل تغییر نام مسجد حاج عباس به مسجد شهید بهشتی در شهر.....

۳. استفاده سیاسی کردن از دین مردم در انتخابات و بحران‌ها.
۴. درگیر کردن جوانان با مسائلی - نظیر تأخیر در امر ازدواج - تا آنان فرصتی برای شناخت مسجد و یا حضور در آن را پیدا نکنند.
۵. منزوی سازی جوانان از مسجد در اثر دشوارسازی راه‌های کسب حلال و ازدواج و بی‌پروایی برخی از آنان در ارتکاب فسق و فجور.<sup>۱</sup>
۶. رها کردن عمده جوانان مذهبی و در عوض، بها دادن به ورزش‌های متنوع که هر کدام به گروهی از جوانان، الگو و همبستگی می‌دهند.
۷. به کارگیری دقت در کارشناسی مسائل ورزشی و بی‌توجهی به مسائل مذهبی و معنوی و عدم کارشناسی این مسائل.
۸. استفاده نامشروع از مسجد و امکانات آن - مثل استفاده برای گلسازی یا تولید فیلم - در صورتی که هر علم و فنی که در مسجد آموزش داده می‌شود باید رنگ و بویی از عبادت داشته باشد.
۲. عوامل فرهنگی

#### الف: حوزه عقیده و باور

۱. وجود بدعت‌ها و انحراف‌ها در مسجد که در نتیجه بایدها و نبایدهای غیر واقعی را ایجاد می‌کند.
۲. تحمیل عقاید و افکار بر دین.
۳. برداشت غلط از دین.
۴. عدم ایمان به گفته‌ها و انتقال صرف دین به مردم.

#### ب: حوزه اخلاق

۱. مرکزیت مسجد با متحجرین و کسانی که اخلاق شایسته‌ای ندارند.
۲. تحقیر دینداران و مسئولان مسجد در جامعه و توهین به آنان.
۳. بی‌محبتی کردن و فقط برخورد‌های قانونی و ارائه اخلاق خشک و بی‌روح به جوانان.

#### ج: حوزه تبلیغ و ترویج

۱. محزون و دشوار نشان دادن احکام، دین، مسجد، مسجدیان و برنامه‌های مسجد.
۲. عدم اطلاع و نیز عدم توجه مردم نسبت به برکات و آثار مثبت تربیتی، اجتماعی و فرهنگی مسجد.
۳. انحصار تبلیغ در خطابه و سخنرانی و عدم معرفی الگوهای عملی و یا فقدان تطابق بین گفتار و رفتار سخنرانان و عدم برخورد خصوصی با جوانان.
۴. نشناختن شیوه‌های دشمن در جذب جوانان.
۵. عدم معرفی جوانان مسجدی به عنوان الگو در رسانه‌ها و معرفی الگوهای جوان در میداين ورزشی، علمی و هنر پیشه‌گری و دور نمودن آنان از تهذیب و اخلاق و رفتار اسلامی.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> این‌گونه جوانان از حضور در مسجد شرم می‌کنند و می‌گویند: مسجد، جای ماها نیست.  
<sup>۲</sup> با این که بهترین شیوه برای جوانان، معرفی الگوهای اخلاقی و تقوایی است.



۱. عدم حساسیت خانواده‌ها و عدم تربیت اطفال در منزل و برخورد تخریبی با کودکان نسبت به مسجد بی‌توجهی به نمازگزاران - مخصوصاً جوانان - و عدم خطاب قرار دادن آنان.
۲. زشت جلوه دادن به همراه آوردن کودکان به مسجد و ارائه تصویر ذهنی آلوده‌ای از مسجد.
۳. عقده‌ای کردن جوانان در اثر عدم تحلیل مسائل و مشکلات.
۴. سرخوردگی جوانان در مسائل جنسی، اقتصادی و فرهنگی.

ه: حوزه رفتار و عمل

۱. استفاده از دین به عنوان اهرم سیاسی و عدم استفاده از سیاست به عنوان اهرمی جهت دینداری مردم.
۲. نفاق و دورویی مدعیان دین‌دارانی.
۳. جناح بندی‌های سیاسی در مسجد و برخورد جناحی و خطی در گزینش امام جماعت.
۴. متکفل شدن امور دنیایی مردم توسط رهبران دینی.
۵. رشد بی‌رویه معتادان و عدم برخورد ریشه‌ای با این معضل که جوانان ما را تهدید می‌کند.
۶. عدم وجود مدافع حقوق مسجد.

دفاعه‌های مساجد

در مدیریت و اداره مساجد اموری است که جوانان را طرد و دل‌سرد می‌کند و جوانان آن را نمی‌پسندند.

الف: امور مسائل رفتاری

۱. یکی از پیامدهای حکومت حریم گرفتن از مردم و تکبر است خصوصاً وقتی که حاکم دینی و سفارش به تقوا کند لذا چون حاکم هستیم از نظر اخلاقی خود را محکوم بدانیم تا تعادل برقرار شود
۲. بی‌محبتی مسئولان مسجد و برخوردهای خشک و خشن با جوانان.
۳. جناح‌بندی‌های تحمیلی در مسجد.
۴. عقده‌ای برخورد کردن مسئولان با مسجدی‌ها.
۵. مصلحت‌اندیشی‌های غیر اصولی مسئولان مسجد.
۶. بی‌تفاوتی نسبت به حوادث و پیشامدهای طبیعی مثل بیماری، سیل و زلزله.
۷. توجیه ضعف‌ها، کاستی‌ها و زشت‌کاری‌های مسئولان نظام در مسجد.
۸. برخوردهای جناحی.
۹. برخورد زشت و توهین‌آمیز با کودکان.
۱۰. عدم اطلاع روحانی از ادبیات رایج در بین مردم - به ویژه جوانان - .
۱۱. عدم آگاهی روحانی از وسایل رایج مثل رایانه.

ب: امور جاذبه ای

۱. نبود سبزه و آب.

۲. عدم تغییر دکور.
۳. فقدان صوت جذاب و ملیح.
۴. شلوغی فضا مثل وجود قاب‌ها و پرچم‌های زیاد.
۵. عدم جمع‌آوری پرچم‌ها و پارچه‌های مشک‌ی پس از پایان مناسبت‌های مربوطه.
۶. عدم برگزاری جشن‌ها در مسجد.

ج: امور برنامه ای

۱. بی‌نظمی امام جماعت.
۲. جمع‌آوری پول سر صف‌ها.
۳. سخنرانی بین دو نماز یا وابسته کردن هر دو به هم.
۴. عدم بهره‌برداری صحیح از ارزش‌های نهضت عاشورا.
۵. عدم اتحاد و همدلی بین روحانی و مدّاح.<sup>۱</sup>
۶. قرار دادن مسجد در مقابل هیأت و امام حسین.<sup>۲</sup>
۷. عدم مخاطب شناسی.

گزارش‌های تلخ آماری

۱. وضعیت حضور جوانان در مساجد، مطلوب نیست.

متوسط سن شرکت‌کنندگان در تهران، بالای ۴۵ سال و در برخی شهرها- مثل یزد و شهرهای شمال- زیر ۳۳ سال و در بقیه شهرها ۳۵ سال است.

این در حالی است که بیش از نیمی از جمعیت کشورمان زیر ۲۵ سال هستند.<sup>۳</sup>

۲. هر جا خدمات رفاهی و تفریحی، بهتر و بیش‌تر است جوانان کم‌تر از مساجد بهره می‌برند و در روستاهایی که خدمات این‌گونه‌ای کم‌تر است استقبال جوانان از مسجد بیش‌تر است.<sup>۴</sup>

۳. در یک بررسی آماری مشخص گردید از ۱۷۰۰ فرمانده بسیجی شهید از قشرهای گوناگون - روستایی، شهری، بی‌سواد و... - اوقات فراغت خود را به شکل زیر می‌گذارند:

- ۴۶٪ در مسجد
- ۳۰٪ در ورزش
- ۱۷٪ در مطالعه

---

<sup>۱</sup> جوان نمی‌داند سمت روحانی برود یا سمت مدّاح.  
<sup>۲</sup> فردی آمد فرش مسجد را برای حسینیه بگیرد. به او گفتند: این فرش‌ها وقف مسجد است و نمی‌شود جای دیگری برد. گفت: اباالفضل هر دو دستش را به خدا داد حالا خدا یک فرشش را به اباالفضل نمی‌دهد!  
<sup>۳</sup> این گزارش مربوط به سال .... می‌باشد.  
<sup>۴</sup> این نشانگر بی‌فرهنگی جوانان نیست بلکه علامت سوء مدیریت است که خدمات دولتی به گونه‌ای است که مانع ذکر خدا و شکرگزاری جوانان و جامعه می‌شود.

- ۵٪ در میهمانی‌ها

- ۲٪ در سینما، فرهنگسرا و پارک

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید مسجد بیش‌ترین نقش در پر کردن اوقات فراغت جوانان را تشکیل می‌دهد است.

۴. خدماتی که به فرهنگسراها و پارک‌ها می‌شود بسیار بالاتر از خدماتی است که به مساجد می‌شود در حالی که اگر بخواهیم بسیجی، زیاد بشود باید به مسجد و مسجدی‌ها بها بدهیم و آنان را ترویج کنیم.

۵. رئیس سازمان صدا و سیما در سمیناری گفتند: "تحقیقات نشان می‌دهد که نمی‌توان جلوی ماهواره، اینترنت، ویدئو، تلفن تصویری، سی‌دی و... را گرفت بلکه باید فکری اساسی کرد." ایشان افزودند: "براساس نتایج تحقیقات به عمل آمده، مسجد بهترین جایگاهی است که با فرهنگ خود می‌تواند جلوی همه این‌ها بایستد.

زمان حضور در مسجد، رفت و برگشت به مسجد و حداقل تأمل و درنگ کوتاهی در مسجد می‌تواند جوانان را در مقابل معاصی و منکرات بیمه کند و این مسأله به تدریج مقاومت جوانان را در مقابل زشتی‌ها زیاد می‌کند."<sup>۱</sup>

۶. مطرح کردن دین در فرصت‌های نامناسب - مانند کلاس‌های عقیدتی در تابستان - به مثابه طلاق دادن زن در ایام حیض و قاعدگی است. همان‌گونه که طلاق زن در این ایام، حرام و ناپسند است؛ چون زنان در این ایام، طلاق داده خدایی هستند، همین‌طور طرح مباحث دینی در این‌گونه فرصت‌ها نسنجیده و ناپسند است در صورتی که ما اگر در شب‌های طولانی زمستان، فیلم‌های خوب برای آنان بگذاریم، ناخودآگاه تأثیرات مثبتی بر آنان خواهد گذاشت.

دانشنامه جوانان

جوانان باید سطح دانش و آگاهی خود را در حوزه‌های گوناگون ارتقا ببخشند تا بتوانند نگاهی واقع بینانه به مسجد و مسجدی‌ها داشته باشند:

الف: حوزه نگرشی

۱. مسجد، هرچه باشد، از مراکز دیگر بهتر است.
۲. مسجد، برای قشر خاصی نیست و همگان در آن یکسانند.
۳. مسجد، جایگاهی ویژه برای اهل ریاست و پول و زور نیست.
۴. مسجد برای همه است؛ وقتی قشری، فامیلی و حزبی شد، از ثواب آن هم کاسته می‌شود.
۵. مسجد، حلقه اتصال نسل گذشته و آینده است و جوانان، حلقه واسطه هستند و بهتر است جوانان، کودکان و کهنسالان را تحمل کنند. و هیچ مرکزی حتی خانه و محل کار نمی‌تواند اتصال را به نحو احسن برقرار کند. و آنها که با مسجد ارتباط ندارند یا به جای مسجد با مراکز دیگر ارتباط دارند چگونه در حوادث غرق شده و خود باوری و امیدشان تبدیل ناامیدی و خودباختگی و برای رسیدن به اندک پول یا شهوت چه کارها که نمی‌کنند و برای از دست دادن فرهنگ ادب و انسانیت با قیمت کمی پیش‌قدم می‌شوند.

ب: حوزه انگیزشی

۱. جناب آقای لاریجانی در سال ۱۳۷۸.....

۱. مسجد موجودی با شعور است؛ از آمدن ما خوشحال و از رفتن ما، نالان می‌شود.<sup>۱</sup> هم شهادت می‌دهد هم شکایت.
۲. جوانان با حضور در مسجد، مانع نزول عذاب الهی می‌شوند.<sup>۲</sup>
۳. مسجد محل دوستیابی است ولذت بردن از دوستان خدائی است و رفقای مسجدی از رفقای پارک و مدرسه و دانشگاه و بازار و مزرعه بسی برتر و والاترند چون تا قیامت ادامه دارد شفاعت کرده و شفاعت می‌شود و از پل صراط با سرعت می‌گذرد (قال رسول الله ﷺ مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ)<sup>۳</sup> و در بهشت در حضور هم هستند (و حسن اولئک رفیقاً)
۴. مسجد بهترین جا برای انتخاب همفکر و همراه و همسر است. چون جوانان زیاد احساس تنهایی می‌کنند همسر همراه در موفقیت او نقش عمده دارد.
۵. مسجد بهترین مرکز مشاوره با مشاورانی دلسوز و صادق است که نوعاً امین و دلسوز هستند و دوست دارند ما را راهنمایی کنند.
۶. اگر در مسجد عملی انجام ندهیم همین حضور، تأثیر خود را دارد؛ همان‌گونه که حمام سونا اثرگذار است.<sup>۴</sup>

#### ج: حوزه رفتاری

۱. جوانان همکار خادم و همیار کارگزاران مسجد باشند.
۲. نظارت عالم و ارشادهای روحانی را پذیرا باشیم.
۳. ضربه‌هایی که جوانان می‌خورند ناشی از بی‌صبری و عدم تحمل دیگران است.
۴. صبر هم ابزار است و هم نتیجه خوبی است.
۵. زیاد به مسجد برویم ولی سعی کنیم زیاد در آن جا نمانیم.

#### د: حوزه دانشی

۱. هدف و غرض دشمن نابودی مسجد و معبد است چون تا مسجد است شکستی نیست و اگر مسجد نباشد مقاومتی نیست
۲. مسجد سنگری است برای دفاع از اسلام و کشور و حمله به مهاجمان و متجاوزان
۳. تکرار حضور در مسجد انسان را دلزده و خسته نمی‌کند.
۴. مسجد درس مقاومت و صبر و پشتکار می‌دهد؛ (نیاز امروز جوانان و پشتیبان فردای آنهاست)
۵. مداومت حضور در مسجد را با سطحی ننگریم تا جایی که می‌فهمیم از مسجد بهرمندیم
۶. کهنسالان امروز مسجد، جوانان دیروز هستند. جوانان پرتوقع قدری بیندیشند تا دریابند فردا که خودشان پیر می‌شوند آیا بهتر و بالاتر از کهنسالان امروز خواهند بود.
۷. مراقب باشیم ما را به عنوان مسجد به جاهای دیگر نبرند.
۸. مراقب باشیم از حضور ما جوانان در مسجد، استفاده جناحی و حزبی نشود.
۹. مسجدی که شرکت‌کنندگان آن جوان هستند خطرش بیش‌تر از مسجدی است که همه کهنسال می‌باشند..

<sup>۱</sup> . يتشيشن من عمارها . . . . .

<sup>۲</sup> . شاب يتعلق قلبه بالمساجد . . . . .

<sup>۳</sup> . مستدرک الوسائل ۳ ۳۶۲

<sup>۴</sup> . فضای معنوی مساجد، اثرگذار است.

۱۰. کهنسالان مسجدی نوعاً دلسوز جوانان هستند و دوست دارند جوانان، دیگر اشتباهات جوانی آنان را تکرار نکنند.
۱۱. کهنسالان مسجدی از کهنسالان بازار و کارگاه و مزرعه بهترند. و جوانان در فضاهای دیگر با آنان می سازند و تعامل دارند
۱۲. شمار زنان جوان بیش از مردان جوان و حافظه آنان نیز بیش تر است.
۱۳. نیاز زنان به مسجد بیش از مردان است؛ چرا که آنان بیش تر مورد هجوم هستند.
۱۴. بدانیم: تفکر بهتر از ذکر است و تدبیر بهتر از عمل و مسجد محل تفکر و تدبیر است نه ذکر و مدیریت

## تعلیم و تربیت جوانان

۱. تربیت کردن جوانان اگر عملی باشد ثمره اش بیش تر از قولی است.<sup>۱</sup>
۲. جوان را از افراط و تفریط - حتی در کارهای خوب - منع کرد.
۳. جوان را از خرافات دور نموده و نسبت به بدعت‌ها و خرافات، حساس کرد؛ چرا که خرافات، پیرایه‌ها و بدعت‌ها، جوان را دلسرد و بی‌انگیزه می‌کند.
۴. بهترین مکان برای ایجاد آرامش جوان، مسجد است.<sup>۲</sup>
۵. کاری کنیم جوانان به معیار و ملاکی دست یابند تا در مقابل حوادث و بحران‌ها قدرت مقاومت داشته باشند و از موانع عبور کنند. حالت انفعالی جوانان را در مقابل حادثه‌ها و بحران‌ها - که در نهایت به تسلیم آنان می‌انجامد - به حضور فعال تبدیل کنیم و این امر مهم در مسجد و به وسیله امام جماعت قابل تحقق است.
۶. تعریفی از زندگی دینی به جوانان ارائه دهیم تا بتوانند در پرتو آن، ناملازمات طبیعی و اجتماعی جامعه را تغییر دهند.
۷. جوانان را با سیره عملی انبیا و ائمه اطهار(ع) آشنا نمود و امام جماعت، نقشی انحصاری در این رابطه دارد؛ زیرا جوانان، هم عقل را دوست دارند و هم عاشق الگوها و اسوه‌ها هستند. لذا اگر با عاطفه و محبت با آنان برخورد شود این نوع برخورد با عشق و عقل آن‌ها سازگاری دارد و در جلب توجه آنان به آموزش‌های لازم، مفید و کارساز است.
۸. دشمنان واقعی جوانان - که عبارتند از: نفس، شیطان و ظالمان - را به آنان شناسانید و راه‌های مقابله با دشمنان را به آن‌ها آموزش داد.

## نقش مسجد در الگوهای سالم و حقیقی و بی بدیل

جوانان الگوپذیرند و در جستجوی الگوهای مورد علاقه خود می باشند. دشمنان از این روحیه جوانان سوء استفاده کرده و الگوهای کاذب را به جای الگوهای واقعی به آنان معرفی می‌کنند.

۱. الگوپذیری، تقلید کورکورانه نیست بلکه بصیرت و تمدن و استفاده از علوم و تجربه دیگران است.
۲. الگوهای مسجد، حقیقی و ارزشی است به خلاف الگوهای ارائه شده از فیلم‌های سینما و تلویزیون و مانند آن که چهره‌پردازی و اغلب غیر ارزشی است.
۳. الگوهای مسجد، دعوت به نفس ندارند بلکه نقش واسطه‌ای دارند و به تفکر و تعقلی که همواره پویا و گویاست، دعوت می‌کنند.

۱. عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ يَغَيِّرُ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِجْتِهَادَ وَالصِّدْقَ وَالْوَرَعَ؛ بحار الانوار، جلد ۶۷، صفحه ۳۰۹، حدیث ۳۸.

۲. لذا سفارش شده است که به هنگام غم و اندوه به مسجد برویم.

۴. رأس الگوهای مسجد، انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام می باشند ( البیت هو المسجد المطهر و نحن اهل البیت ) که الگوهای بین المللی هستند و نه تنها مسلمانان بلکه کفار منصف، عاشق و شیفته آنان هستند.<sup>۱</sup>
۵. الگوهای مسجدی ناهنجاری و تنش ایجاد نمی کنند.
۶. الگوهای مسجدی دنیا و آخرت را با هم تامین می کنند نه فقط دنیا یا آخرت را
۷. الگوهای مسجد چون تربیتی است هیچ گاه خستگی و فرسودگی و کهنگی ندارد (سیره اهل بیت علیهم السلام مهم است نه صورت)
۸. مسجد سیره و الگوی عملی است نه گفتاری لذا تاثیر ائمه جماعات از خطبا بیشتر و بهتر است.
۹. الگوهای مسجد، زنده و فعال هستند نه اسطوره سازی و خیال پردازی و نه تنها دعوت به سرگرمی و غفلت نمی کنند که انسان را به حرکت وا می دارند.

## امام جماعت الگو

جوانان هر امام را به عنوان الگو نمی پذیرند. امامی را می پذیرند که ویژگی داشته باشد از جمله:

### الف: ویژگی های شخصی و شخصیتی

۱. کمالات واقعی داشته باشد نه تصنعی یا خیالی.<sup>۲</sup>
۲. هویت خویش را شناخته و اعتماد به نفس داشته باشد.
۳. متواضع و برخوردار از خفض جناح باشد.<sup>۳</sup>
۴. حافظ مقدسات و پایبند به آرمانها باشد؛
- مکان مقدس و آزاد باشد(مسجد) نه معمولی و قابل نفوذ
- جایگاه مقدس؛ منبر و محراب هنوز مقدس و مبارک و پذیرفته شده است
- لباس مقدس؛ عبا، قبا و عمامه بعنوان لباس دین و دین داری و خادمان دین شناخته می شوند
- کلام مقدس؛ قرآن، حدیث و سیره معصومین(ع) خصوصا اگر با متن عربی همراه باشد
۵. ملایم و خوشخو باشد مخصوصاً در شرایط دشوار.<sup>۴</sup>
۶. سعه صدر داشته باشد و زودرنج و عجول نباشد. (آله الرئاسه سعه الصدر)
۷. پاک و نظیف و آراسته باشد.
۸. قرائتش و قیام و قعودش زیبا و نیکو باشد.
۹. روحیات جوانی را داشته و جوان پسند باشد؛ حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه تا آخر عمر، عصا دست نگرفت. نظم داشت؛ ساده و روان حرف می زد و به دیگران بها می داد.
۱۰. باحیا و عفت کلام داشته باشد.

۱. چرا که آنان عدالت گستر و مبارز علیه ناهنجاریها، زدگی ها، نابسامانیها، نژادپرستیها و مانند آن بوده اند.
۲. عدالت، بهترین کمال و ارزش است.
۳. وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ سوره شعراء، آیه ۲۱۵.
۴. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ؛ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ و وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ؛ سوره قلم، آیه ۴.

۱۱. خود باور باشد نه خودشیفته؛ کار خود را قبول داشته باشد و در اراده محکم باشد. حضرت امام(ره) می‌فرمودند: «از فرودگاه به فرودگاه می‌روم یا از کشتی به کشتی می‌روم، اما حرفم را می‌زنم».<sup>۱</sup>

ب: ویژگی‌های تعلیمی و تربیتی

۱. همیشه در دسترس همگان - به ویژه جوانان - باشد؛
۲. مخاطبان خویش را عمیقاً دوست بدارد.<sup>۲</sup>
۳. اهل عمل باشد نه اهل سخن.<sup>۳</sup>
۴. فراغت جوانان را ارزش دهد به سمت کارکردهای مسجد.<sup>۴</sup>
۵. روحیه ایمان را در جوانان تقویت کرده و از موجبات شک و نفاق و شرک و کفر دور بدارد.
۶. جوانان را به اعتدال فراخواند و از افراط‌ها و تفریط‌ها دورشان سازد.<sup>۵</sup>
۷. جوانان را در برابر مسائل مهم و سرنوشت‌ساز، فعال بار بیاورد نه منفعل.
۸. جوانان را در برابر خرافات، بدعت‌ها و پیرایه‌ها، حساس کند.
۹. جوانان را با سیره عملی پیامبران و معصومین علیهم السلام آشنا سازد.<sup>۶</sup> چون امام مسجد شعبه ای از ولایت و امامت انبیاء و اولیاء است.

خطایی بزرگ در جذب جوانان

در خودسازی و بازسازی خویش بکوشیم و آن‌قدر اوج بگیریم که جوانان شیفته و دلداده ما و راه و رسممان شوند و مراد و اسوه و الگوی آنان گردیم.

برخی در جذب جوانان دچار اشتباه بزرگی شده‌اند و می‌پندارند باید عاشق جوانان شد و به ستایش و تمجید آنان پرداخت تا بتوان آنان را جذب کرد. این یک خطای بزرگ استراتژیک است؛ چرا که جوان، دوست دارد عاشق باشد نه معشوق. او سراسیمه در جستجوی اسوه‌ها و الگوهاست و اگر الگو شناسایی کند عاشق و شیفته او می‌شود که نه با پا که با سر دنبال او می‌دود و می‌کوشد در همه چیز - حتی در نوع پوشش و تن صدا و ژست - از او تقلید و تبعیت کند.

---

۱. وقتی به ایشان اصرار کردند باید از عراق بیرون بروند موافقت کردند به کویت بروند. تا مرز کویت آمدند ولی او را راه ندادند. در این وضعیت مقامات کویتی حتی حاضر نشدند وی را در فرودگاه کویت به عنوان میهمان چند لحظه ای بپذیرند. امام (ره) فرمودند: «از فرودگاه به فرودگاه می‌روم یا از کشتی به کشتی می‌روم، اما حرفم را می‌زنم.»

۲. فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ سوره کهف، آیه ۶ و لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۳. ۹۵٪ تأثیرگذاری امام مسجد از طریق عمل و رفتار و ۵٪ از طریق قول و گفتار است.

۴. فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ؛ سوره انشراح، آیه ۸.

۵. جوان معمولاً در هر مسیری که قرار می‌گیرد سرعت می‌گیرد. مسجد و امام جماعت بهترین کنترل کننده - حتی در امور معنوی و عبادی - است.

۶. امامت مسجد، شعبه ای از امامت اولیای الهی است.

لذا کسانی که به اشتباه می‌روند و عاشق جوانان می‌گردند، عمدتاً شکست خورده و ناامید می‌شوند.<sup>۱</sup> و احیاناً به عکس نتیجه می‌گیرند و به هدف نمی‌رسند

تدبیر مسجد

الف: رفتارهای اجتماعی امام

۱. در برخورد هایش، عدالت داشته باشد.
۱. صحبت هایش کاربردی باشد و از سخنان غیر منطقی بپرهیزد.
۲. خودش را معصوم نداند و از نقایص و عیوب گذشته - به ویژه دوران جوانی - خود بگوید و راه حل ارائه دهد.
۳. از مواضع تهمت دوری کند.

ب: برگزاری نماز

۱. خودش صفوف را منظم کند.
۲. جوانان را در صفوف اول جای دهد.
۳. نماز را سریع بخواند.

ج: ارتباط با جوانان

۱. جوان‌ها را خوب بشناسد و از ویژگی های خوب آنان استفاده کرده و آنان را به خوبی‌ها ارشاد کند.
۲. با جوانان مشورت داشته باشد.
۳. در هیأت مدیره، جوانان را شرکت دهد.
۴. در سخنان خود - مانند خطابات و ضرب‌المثل‌ها - جوانان را مورد خطاب قرار دهد.
۵. در موارد لزوم بین جوانان و والدینشان واسطه شود.
۶. در مراسم - از ابتدا تا پایان - شرکت داشته باشد.
۷. به جوانان اجازه دهد حرف خودشان را خوب بزنند و وسط حرفشان ندود.
۸. دیدگاه جوانان را نسبت به خود، واقعی کند.

مسجد خواستگاه جوانان

مسجد ویژگی هایی دارد که بر اساس آن می‌تواند پاسخگوی نیازهای گوناگون و اساسی جوانان باشد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

۱. تکامل بخشی

- جوان خواهان تکامل است و جسم و روحش در این مسیر با هم تنازع و کشمکش دارند.

---

<sup>۱</sup> آنچه امروز مطرح است این است که ما خواهان جذب جوانان هستیم، از این رو هر کجا بروند - پادگان، دانشگاه، مدرسه، باشگاه و... - ما هم در پی آنان می‌رویم. این‌ها شکست خورده‌اند اما روحانیونی که محکم جای خودشان ایستاده‌اند، جوانان دنبال آن‌ها می‌روند.



- تکامل در گرو پرسش است<sup>۱</sup> و پرسش در مسجد هیچ کراهتی ندارد.

- اگر سؤال، به جا باشد پاسخش واجب است.

- بهترین کار در مسجد، پرسش و پاسخ است.

- بهترین راه نفوذ سخنران وقتی است که پرسش و پاسخ باشد.

- روحانی برای ایجاد پرسش و پاسخ، یا انگیزه، پرسش ایجاد کند و یا پرسش‌هایی را که در خیابان و کوچه و بازار کرده‌اند، مطرح و پاسخ دهد.

۲. ایجاد روحیه حماسه‌جویی

جوان، اجتماعی و از حماسه و شلوغی فراری نیست و مسجد، محل اجتماع مردم و جوان در جستجوی مسجد شلوغ‌تر و حماسی‌تر است.

۳. مهد تربیت بودن

جوان، تربیت را بیش از تعلم و دانش اندوزی دوست دارد و اگر روحانی در مسجد، حرف نزند بلکه رفتارش - حتی رکوع و سجودش - در ذهن و خاطر مردم همواره می‌باشد.

۴. ذکردهی

- جوان، ذکر را دوست دارد و مسجد محل ذکر است. قرآن کریم می‌فرماید:

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ<sup>۲</sup>.

- ذکر، همیشگی ولی بیع، موقت است، مثل خرید و فروش تسیح در مسجد اما تجارت، دائمی است. لذا تجارت در مسجد، کراهت دارد ولی بیع مشکلی ندارد.<sup>۳</sup>

- تمامی حکومت‌ها در مقابل جوانان عاجزند و به طریقی آنان را سرگرم می‌کنند.

- غفلت، بیماری است و حالت سلامت انسان، ذکر است و قرآن انسان‌های فراموش کار را توبیخ می‌کند

- انسان حق ندارد خودش را غافل کند. جسم سالم، روح ناسالم را یدک نمی‌کشد ولی روح سالم (و ذاکر) جسم ناسالم را می‌تواند یدک بکشد مثل بعضی قطع نخاعی‌ها که سراسر شور و حرارتند.

- کسی که پایش را در مسجد می‌گذارد، دائم الذکر می‌شود. او چه بنشیند، چه بخوابد و چه بایستد در حال عبادت است.<sup>۴</sup>

- کسی که در مسجد منتظر نماز بنشیند تا وقتی که غیبت نکرده، در حال عبادت است.

---

۱. وَ فِي الْمَجَالِسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ وَ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ كُلِّهِمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّ عَلِيًّا (ع) قَالَ عَلَى الْمِنْبَرِ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي...؛ وسائل الشيعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۲۹، حدیث ۲۰۱۳۷ و قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَا بِيَطْرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِيَطْرُقِ الْأَرْضِ؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹، صفحه ۲۸۰.

۲. سوره نور، آیه ۳۷؛ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ.

۳. در تجارت، کشمکش وجود دارد و مسجد را متشنج می‌کند ولی بیع، این‌گونه نیست.

۴. بعضی جاها خود رفتن به یک مکان، موضوعیت دارد؛ مثل رفتن به حمام برای نظافت.

## ۵. تقویت عواطف پاک

مسجدی‌ها - به ویژه جوانان - اهل عاطفه‌اند. در آمارها، کمک به فقرا و حادثه‌دیدگان - مثل زلزله‌زدگان و سیل‌دیدگان - بیش‌ترین کمک‌ها را مسجدی‌ها دارند.

## ۶. حفظ و تقویت خلوص

جوانان مخلص‌ترین قشر جامعه‌اند. خلوص از کمالات انسانی محسوب می‌شود تا آن‌جا که حتی لات‌ها هم با افتخار می‌گویند: ما در لاتی خود مخلصیم.

## ۷. تقویت روحیه صداقت و صراحت

مسجد مرکز صراحت و صداقت است.<sup>۱</sup> بهترین رفیق و همسفر را می‌توان در مسجد یافت؛ چون سالم‌تر است و صداقتش بیش‌تر.

## ۸. الگودهی

جوانان خواهان الگوهای در دسترس هستند و امام جماعت اگر صالح و توانمند باشد بهترین الگوست.

او دارای صوت و لحن زیبا، نظیف، ملایم، خوشرو، خوشبو و صاحب کمال، خودباور و محبوب قلوب نمازگزاران<sup>۲</sup> است و دعوت الی الله دارد نه دعوت به نفس.<sup>۳</sup>

## ۹. هویت بخشی

دنیا، دنیای بی‌هویتی است. خیلی‌ها مدرک دارند ولی هویت ندارند. با آن‌که بیکارند دنبال بیکاری هستند نه کار؛ نان می‌خورند ولی گرسنه‌اند.

مردم در امام خمینی ذوب شده‌اند؟ چون او در اسلام ذوب شده است.

هر چه انسان خودش را بهتر بشناسد و زاهدتر و با تقواتر باشد، مریدان بیش‌تری پیدا می‌کند.

مسجد به جوانان هویت می‌بخشد.

## ۱۰. تعادل بخشی

جوانان اغلب اهل افراط و تفریط هستند که باید آن‌ها را نجات داد. مثلاً خیلی زیاد قرآن می‌خوانند، یا زیاد به جمکران می‌روند، یا نمازشان را خیلی طولانی می‌خوانند و یا برعکس چندان کاری به دعا و عبادت و قرآن ندارند.

افراط و تفریط در مسجد دوام و قوامی ندارد چون مسجد جلو افراط‌ها و تفریط‌ها را می‌گیرد.

---

<sup>۱</sup> صراحت را در شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، از نهضت خمینی محافظت بفرما» می‌توان مشاهده کرد.

<sup>۲</sup> امام جماعت نباید امام کسانی بشود که دوستش ندارند و همین‌گونه او اگر گروهی را دوست ندارد باز هم نباید خود را امام آنان قرار دهد؛ باید محبت، طرفینی باشد.

<sup>۳</sup> امام جماعت‌هایی که مریدانشان پشت سر هیچ‌کس دیگری غیر او نماز نمی‌خوانند کار بدی کرده‌اند و مشکل دارند.

جوانان اگر داغ شوند، سرد می‌شوند، اما اگر پخته شوند، خام نمی‌شوند لذا ایمان غیر از علم و و دیندار غیر از دین دان است

## ۱۲. آرامش دهی

محیط آرام، بهترین مکان برای جوانان است. در هیچ یک از معابد دنیا، از چیزهای تند- مثل نور زیاد، رنگ‌های تند و صدای خشن- استفاده نمی‌کنند بلکه سعی می‌کنند حالت متعادل را فراهم آورند.

در مساجد هر چه سر و صدا کم‌تر، منبر ساده‌تر، و سخنگو و مداح، آرام‌تر باشد، ملیح‌تر و دلپذیرتر است؛ چون مسجد باید فضایی آرام باشد تا مردم را در هنگام غم‌ها و شادی‌هایشان، تعادل ببخشد.

محیط آرام، نفس و ضربان قلب را ملایم می‌کند.

یکی از امتیازات قرآن این است که کلماتش به گونه‌ای است که می‌تواند به انسان حالت آرامی، هدیه کند.

یک ثانیه سکوت قبل از منبر، نفوذ منبر را ده برابر می‌کند.

استفاده از سنگ بزرگ و فرش با گل و برگ و نقش و نگارهای شلوغ، در مسجد، خوب نیست.

اگر مسجد، خاص خاص شود، روحانی ساکت، موفق‌تر است؛ البته ساکت فعال نه ساکت منفعل.

## ۱۳. تقویت روحیات ارزشمند

جوانان به تقویت روحیه نیاز دارند و ایمان، بهترین تقویت کننده روح و روان آدمی است.

کسی که ایمان ندارد، صلابت و استقامت ندارد. مسجد به ما ایمان می‌دهد. جوانی که به آمدن مسجد، معتاد شده است در همه کارهایش مقاوم است و طلبه‌هایی که بیش‌تر با مسجد انس دارند مقاوم‌تر از دیگران هستند.

## ۱۴. غنابخشی به اوقات فراغت

پر کردن اوقات فراغت از نیازهای جوانان است.

- از مضرترین برنامه‌های مسجد در ایام تابستان است. چون آمادگی پذیرش ندارند
- جوانان در تابستان زیاد آمادگی ندارند و آمادگی شرط مهم دانش‌افزایی و تربیت‌پذیری است.
- مهم‌ترین برنامه روحانی نماز در مسجد و هر وقت مردم - به ویژه جوانان- آمادگی دارند صحبت کند نه تا فراهم شدن غذای نذری.

## ۱۵. طراوت بخشی

روحانی با تغییر دکور، جابه جا کردن فرش ها و امثال این کارها بکوشد فضای مسجد را عوض کند. کار نو و فضای نو اثرش از حرف نو بیش تر است.<sup>۱</sup>

این نوسازی‌ها برای جوانان دلپذیر است و به آنان طراوت و نشاط می بخشد.

#### ۱۶. تقویت روحیه تهاجمی

باید جوانان را از حالت انفعال به حالت تهاجم سوق داد. مسجد چون مداومت دارد، مقاومت می دهد و چون جمعیت دارد حالتی تهاجمی به انسان اعطا می کند و ایدئولوگ این کارها، امام جماعت است.

بعد از انقلاب دست‌هایی - خواسته یا ناخواسته - این حالت را کم رنگ کرده و می کند. لذا می بینیم اغلب، مذهبی‌ها انفعالی هستند و بی قیدها تهاجمی اند.

#### ۱۷. برداشتن نقاب از چهره دشمنان

در مسجد دشمنان واقعی انسان معرفی می شوند و راه های مقابله و ستیز با آنها شناسایی می شود.

دشمنان واقعی عبارتند از: هوای نفس، شیطان، دنیا و حرف‌ها و قضاوت‌های نابجای مردم.

#### ۱۸. بصیرت افزایی

آشنایی جوانان با تاریخ گذشتگان - به ویژه تاریخ واقعه عاشورا در کربلا - آنان را بصیر، هشیار و مقاوم بار می آورد. اگر ما امام حسین علیه السلام را در کربلا نداشتیم در جنگ شکست می خوردیم.

#### ۱۹. جذب حداکثری

فضای مسجد، ملکوتی است و هر چه ملکوتی تر و معنوی تر شود جاذبه اش برای جوانان بیش تر است.

وقتی بحث از اسلام می شود لات‌ها هم به فکر عبا و قبا و ریش و عمامه و محراب و منبر و مسجد و گلدسته و مناره می افتند.

کارهایی به نام مسجد انجام می شود که ارتباطی با مسجد ندارد. برخی از ورود جوانانی که ظاهرشان کمی نامناسب است، جلوگیری می کنند و یا تحویل نمی گیرند و دفع می کنند، غافل از این که آمدن بیمار به بیمارستان نه تنها عیب نیست که نشانه عقل و درایت است.

#### ۲۰. محوریت دهی به عدالت

اولین و شاید بتوان گفت تنهاترین کسی که عدم عدالت را متوجه می شود، جوانان هستند و نخستین گروهی که به وسیله عدالت امام، جذب می شوند جوانان هستند.

- هر چه عدالت امام مسجد بیش تر باشد جاذبه بیش تر می شود.

---

<sup>۱</sup>. مثلاً در هنگام زیارت مشاهد مشرفه، نشستن، نگاه کردن و فکر کردن بهتر از زیارتنامه خواندن و مداحی است.

- سایر ویژگی‌های امام در رده‌های بعدی قرار دارند.

## ۲۱. فضیلت بخشی

فطرت پاک جوانان دنبال فضایل و صفات حسنه - مثل احسان، شجاعت، محبت و خلوص - است.

امام مسجد هم خودش دنبال این فضایل و صفات باشد و هم جوانان را به کسب آن تشویق کند.

- هرکس در هر رشته‌ای که قهرمان و سرآمد شود باید بداند که: "أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ" ۱

## ۲۲. متفکر پروری

تفکر در اسلام جایگاه ویژه و مرتفعی دارد. همان‌گونه که انسان صبور و شکور در اسلام ارزشمند قلمداد می‌شود انسان فکور نیز از منزلت والایی برخوردار است.

- جلو تفکر را سد و سؤال را خفه نکنید.

- باید ترسیمی از زندگی به جوانان ارائه داد آن‌گاه از او بخواهیم خودش برود پیرامون آن تفکر کند.

## ۲۳. اصالت دهی به صداقت

فطرت انسان‌ها جویای صداقت است و آدم‌های صادق و راستگو را دوست دارد.

- مشکلات، کاستی‌ها، ضعف‌ها، کم‌کاری‌ها، بی‌گدار به آب زدن‌ها، خیانت‌ها، جنایت‌ها، اشتباهات و در یک کلام، نقاط

منفی خود، مسئولان و مؤسسات و ارگان‌ها و نهادها را بی‌جهت توجیه نکنیم و بر روی آن‌ها سرپوش نگذاریم.

- وقتی خودمان رطب خورده‌ایم به دیگران نگوئیم رطب خوردن بد، زشت و ناپسند است و آنان را به ترک رطب،

توصیه نکنیم. اگر راست می‌گوییم پس چرا خودمان خورده‌ایم.

## ۲۴. آسان‌خواهی

دین اسلام شریعت سَهْلَةٌ سَمَحَةٌ است<sup>۲</sup> و از سخت‌گیری بیجا مبراست.

وقتی مسجد آمدی همان نفس کشیدنت، پاداش دارد هر چند حال و حوصله عبادت و نماز مستحبی و ذکر و قرآن خواندن نداشته باشی.

اگر مسافر بودی نمازت را قصر و کوتاه بخوان و روزه هم نگیر.

۱. فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ؛ مستدرک الوسائل، جلد ۱۲، صفحه ۱۱۱، حدیث ۳.

۲. قَالَ النَّبِيُّ (ص): بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ شرح نهج البلاغه، جلد ۱۵، باب ۲۳، صفحه ۱۴۴ و عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عُثْمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُغَضِبًا يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي فَانصَرَفَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ لَهُ يَا عُثْمَانُ لِمَ يُرْسِلُنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ أَصُومُ وَ أَصَلِّي وَ أَلْمَسُ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنْ بِسُنَّتِي وَ مِنْ سُنَّتِي النَّكَاحُ؛ الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۹۵، حدیث ۱.

وقتی وضو یا غسل برایت ممکن نبود به جای آن تیمم کن

و ده‌ها مسأله دیگر که همه حاکی از آن است که دین اسلام، دین لجاجت و سماجت نیست بلکه دین سماحت و بزرگواری است؛ دین سختیگرانه نیست بلکه دین آسان‌گیرانه است.<sup>۱</sup>

مثلاً در عقاید می‌گوید: تحمیل و تحکم، ممنوع! بگذارید طرف با کمال آزادی و بدون هیچ اجباری دلایل را بررسی کند و پس از پی بردن به حقانیت عقیده‌ای، آن را بپذیرد.

البته انسان وقتی آزادانه اسلام را پذیرفت باید بدان ملتزم باشد و در چارچوب آن حرکت کند همانند کسی که آزاد است و می‌تواند با انتخاب خود به شیراز یا مشهد برود ولی همین که یکی از پذیرفت و عزم حرکت به آن‌جا را کرد باید در جاده‌ای که بدان‌جا منتهی می‌شود، حرکت کند.

این دین، مطابق فطرت همه - به ویژه جوانان - است و مسجد همین دین را به جوانان ارائه می‌دهد.

## ۲۵. نشاط دهی

لذت معنوی که بالاترین نشاط است در مسجد به دست می‌آید. ارتباط با خداوند نشاط آور است

لذت معنوی از مراسمی مثل شب‌نشینی‌ها در مساجد برای قرائت قرآن در ماه مبارک رمضان و بیدار ماندن‌ها در شب‌های قدر آن، به دست می‌آید.

بعد از سختی هر عملی معمولاً خوشحالی و سرور نصیب انسان می‌شود و در اسلام بعد از سختی اعمال حج، عید سعید قربان و بعد از سختی‌های سی روز روزه گرفتن، عید سعید فطر و جشن و سرور در این دو عید را داریم.

یکی از دلایل استجاب دعا بعد از نماز، همین خوشحالی است.

بعد از همه لذایذ و خوشی‌های دنیوی یک کدورتی ایجاد می‌شود به خلاف اعمال عبادی که بعد از آن‌ها یک فرح و شادی برای انسان پیش می‌آید؛ مثل آن‌که وقتی خوب عزاداری می‌کنیم و اشک می‌ریزیم یک حالت سبکبالی، امید، نورانیت دل و نشاط و شادمانی در خود احساس می‌کنیم. لذت معنوی دوام دارد مسجد محدودیت ندارد چون تکرار دارد و با تکرار کم نمی‌شود

## ۲۶. نظم دهی و انضباط بخشی

وقتی مردم همه به مسجد رو آورند قهراً یک نظم و انضباط قهری و ناملموسی بر زندگی مردم حاکم می‌شود. بدلیل محدودیت انسان نیاز شدیدی به نظم دارد و الا افراطی یا تفریطی می‌شود. سفارشات که در نظم آمده غرق نشدن در کاری است (حفظت شیئا و غابت عنک اشیاء - کل حزب بما لدیهم فرحون)

- نظم در خواب و خوراک و کار و استراحت.

- نظم صفوف

---

۱. یُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ؛ سوره بقره، آیه ۱۸۵.

- نظم در رکوع و سجود و به طور کلی پیروی از امام جماعت در افعال و اذکار نماز
  - نظم در امساک کردن‌ها، سحری خوردن‌ها و افطار کردن‌های ماه مبارک رمضان
  - نظم در صفوف متراکم نماز جمعه، عید سعید فطر و عید قربان
  - نظم در اعمال مراسم باشکوه حج ابراهیمی
  - نظم در اطاعت و فرمان‌پذیری از ولی فقیه
۲۷. پرورش روحیه اخوت و برادری

اولین ثمره مسجد رفیق یابی است (رفیق در نعبد و نستعین و در السلام علينا و علی عباد الله الصالحین) اخا مستفادا فی الله رفیق خدائی رفاقتی که تا قیامت ادامه دارد رفیق مذکر باشد یا مونث (همسر) رفیقی که انسان را بالا ببرد و موفق کند نه مخدر باشد مثل دو دست همدیگر را تمیز کنند (احب اخوانی من اهدا الی عیوبی) غیبت تنها منکر نامبرده در مسجد است که ضد رفاقت بوده و تفرقه ایجاد می کند

مسجدی‌ها احساس می‌کنند با هم برادرند؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» مؤمنان با یکدیگر برادرند.

زیاد به زیارت مسجد رفتن یعنی زیاد به زیارت رفیقش در مسجد برود مشاوره بدهد و جوان رفیق باز است

امام حسن یکی از مشکلات رفتن از دنیا را فراق احبا مطرح کرده اند

- به یکدیگر کمک می‌کنند.
- با هم عقد اخوت برقرار می‌کنند و وعده دعا در دنیا و شفاعت در آخرت به یکدیگر می‌دهند.
- در انجام کارهای مسجد با همدیگر مشارکت می‌کنند.
- به یاد اموات هستند؛ مخصوصاً شب‌های جمعه.
- به یکدیگر مشاوره می‌دهند.
- به دید و بازدید و عیادت یکدیگر اقبال نشان می‌دهند

و جوانان از چنین اجتماعی لذت می‌برند.

حضور بزرگسالان در مسجد

عدم اولویت جوانان

۱. در اسلام همان‌گونه که ثروت ملاک برتری و اولویت نیست، پایین یا بالا بودن سن نیز رجحان آور نمی باشد.
۲. در قرآن نه جوانان در صدر قرار داده شده اند و نه کهنسالان از صحنه بیرون رانده شده اند. آنچه در قرآن مورد ستایش قرار گرفته است، فتوت و جوانمردی است که در اغلب موارد، مصادیق آن جوان نبوده‌اند؛ مثل اصحاب کهف و حضرت ابراهیم

---

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

- (ع) انهم فتيه امنوا بر بهم - فتى يذکرهم يقال له ابراهيم. لذا بهتر است بگويم مسجد بيش تر جاى جوانمردان است؛ آنان که دوست دارند پاک باشند در حالى که ممکن است از نظر سنى جوان هم نباشند.
۳. در بين جوانان، جوانمردى چندان نمودى ندارد چون گذشت زمان جوانمردى را اثبات مى کند که کمتر در جوانى تجربه مى شود. لذا جوانمردان تاريخ همه جوان نبوده اند.
۴. مسجد خانه همه مردم است و هر کس بهتر و بيش تر خدمت و يا از حضور در آن بهره مند بشود، موفق تر و مصداق " فیه رجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا" شناخته مى شود.
۵. مسجد اختصاص به گروه و قشر خاصى ندارد؛ نه کودکستان است، نه باشگاه جوانان است و نه آسایشگاه سالمندان بلکه "وُضِعَ لِكَافَّةِ النَّاسِ" و "هُدًى لِّلنَّاسِ" و "قِيَاماً لِّلنَّاسِ" است و بومى و غير بومى و يا زن و مرد در آن فرقى ندارد<sup>۲</sup> و هر کسى هر شخصيتى داشته باشد مى تواند در مسجد حضور پيدا کند.

#### نگاه افراطى به جوانان

متأسفانه اين روزها به گونه اى جوان گرایی و جذب جوانان مطرح است که احياناً حق جسارت به خود داده و مسجد بزرگسالان را تحقير و چه بسا توهين مى کنند.

با ملاحظه چند نکته به نتیجه اى ديگر خواهيم رسيد:

۱. پیامبران عمدتاً از بزرگسالان انتخاب شده اند.
۲. رهبر کبير انقلاب در بزرگسالى رهبر شد.
۳. مسجدى که پر از جوان باشد و کهنسالان در ميان آن ها نباشند و يا کم باشند، احتمال خطر و حادثه و افراط و تفریط در آن بيش تر از مسجدى است که کهنسالان در آن حضورى چشمگير دارند.

#### ضرورت حضور بزرگسالان

۱. چون مسجد حلقه اتصال نسل گذشته و نسل آینده است وجود کهنسالان ضرورى خواهد بود همانند نونهالان
۲. معمولاً جوانان دوست دارند مسجد حشمت، شکوه و وقار داشته باشد لذا خود جوانان کهنسالان را در مسجد در صدر و در هيئت ها جلو قرار مى دهند.

۱. وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَ كُفْراً وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْصَاداً لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلِ وَ لِيَخْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \* لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَداً لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ سوره توبه، آيات ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. . . . وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ . . . ؛ سوره حج، آيه ۲۵.



۳. مسجد جای همه است و نباید فریب وساوس شیطانی را خورد و گوش به حرف‌های خناس‌ها داد. همان‌گونه که باید جوانان باشند پیران و کهنسالان نیز باید باشند و همان‌گونه که باید مردان باشند زنان هم باید باشند.
۴. این که گفته‌اند کودکان را از صف‌های اول جماعت عقب نرانید بدان معنا نیست که کودکان جلو و پیرمردها عقب باشند. قهراً در مسجد هم مثل اماکن دیگر مسن‌ترها را جلو دارند چنان‌چه در ترجیحاتِ دو امام آمده که هر کدام مسن‌تر هستند امامت کنند.

### ویژگی های بزرگسالان

۱. در همه ادیان، میانسالان و کهنسالان، منظم‌ترند و رغبت بیش تری به معابدشان دارند.
۲. شیوه جذب جوان، گاهی غلط و در مواردی سخت است ولی جذب کهنسال، هم راحت است و هم کمتر اشتباه است.
۳. کهنسالان در تدارکات مسجد و مسجدسازی پیش گام هستند؛ چون جوانان یا پول ندارند یا تجربه ندارند و یا هردو را.
۴. با توجه به وجود بیمه و بازنشستگی زودرس بیمه شدگان، فرصت میانسالان بهتر و بیش تر از جوانان است و بیشتر در مسجد می مانند

### نقش بی بدیل بزرگسالان

۱. جوانان نیاز به الگو دارند و معمولاً در اموری مثل ورزش و تعلیم و تربیت، خود جوانان الگوهایی با تجربه و سن بالا انتخاب می‌کنند.
۲. در همه اقشار و اصناف وقتی می‌خواهند جوانان را جذب کنند از جلو داران و پیشکسوتان تجلیل می‌کنند تا جوانان رغبت کنند.
۳. حضور میانسالان و کهنسالان در مسجد جاذبه و رونق ایجاد می‌کند و مایه ابهت و حشمت مسجد و اهل مسجد می‌گردد.
۴. وجود کهنسالان و میانسالان در بین جوانان بهترین راهنمای بی تجربه‌گی جوانان است.
۵. تجربه‌های موفق و ناموفق میانسالان و کهنسالان در دوران جوانی، دستمایه گرانبهایی برای گرایش زیاد جوانان به مسجد می‌شود.
۶. شادابی و دل‌بستگی کهنسالان در مسجد و کیفیت عبادت آنان، بهترین دارو برای جهل و نادانی جوانان است.
۷. اگر جوانان از کهنسالان در مسجد الگو نگیرند پس کجا الگو بگیرند!
۸. گاهی بزرگسالان تصمیماتی می‌گیرند که هزاران جوان از درک آن عاجز و توان همراهی ندارند.

### خطرات خلای بزرگسالان

۱. وقتی کهنسالان را توهین کنیم آن‌ها افسرده و منفعل شده و به تدریج دلزده و دلسرد می‌شوند و ناخود آگاه حضورشان کم تر و کم تر می‌گردد، آن‌گاه با مسجد تبلیغ نمی‌کنند و اگر هم بکنند، کم اثر خواهد بود و در حضور جوانان اثر منفی خواهد داشت
۲. اگر کهنسالان را از مسجد برانیم فاجعه بزرگی رخ خواهد داد که اولین آن بی انگیزه شدن جوانان است.
۳. به دلیل برخورد ناشایست بعضی‌ها و مسائلی که مطرح می‌کنند عده‌ای از کهنسالان به حسینیه‌ها و هیئت‌ها رو می‌آورند که ضرر آن کم نیست و به گونه‌ای تخریب مسجد قلمداد می‌شود.

۴. تجربه تلخ و عدم موفقیت سازمان دانش‌آموزی و جوانان و بسیج و امثالهم برای جذب جوانان بجای مسجد برای ما کافی است با این که رؤسای آنان جوان نیستند.<sup>۱</sup>

### این نکات اضافه گردد:

از خواسته های جوان صدای خوش است و موسیقی و صدای قرآن همانند ندارد و موسیقی با ادوات، تصنعی بوده و حقیقی نیست لذا هنر متاسفانه بدلیل تقلید قرائت جوانان در ایران صوت و لحن اصیل خود را فراموش کرده اند بعضی به مداحی و بعضی موسیقی های حرام روی آورده اند

موسیقی و صوت و لحن و آواز صوت و آواز حرکات قلب را تحریک و متلاطم می‌کند و آنچه حرام است همین است چنانچه موسیقی خواب کردن نوزاد هماهنگ با قلب بچه است هدایت صوت و آواز لازمه مسجد زیباست احسنهم قرائته

یعنی همین رساندن صدای حمد امام به ماموم و سکوت ماموم وقت قرائت امام و اذا قرا القرآن فاستمعوا له و انصتوا

بهترین موسیقی پیش از روزی یکمرتبه جاذبه ندارد ولی موسیقی حمد روزی ده مرتبه باز خسته کننده نیست و نباید باشد چنانچه بسم الله را علما می‌فرمایند جزء سوره است و این دلیل بر این است که موسیقی آن هم فرق می‌کند

صوت حسن صوت حزين (اقرا القرآن بالحن العرب)

به همین دلیل ژ پ گ چ در عربی نیست چون موسیقی ندارد و خود قرآن بهترین نمونه است مثل هفت عدد میم در قرآن: وَ عَلِيٍّ أُمَّمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَ أُمَّمٌ سَنَمْتَعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ<sup>۲</sup> که راحت خوانده می‌شود

از آفتهای گفتگو و الفت فسق و جدال است لذا در مسجد که محل مشورت و الفت و گفتگوست فسق و جدال ممنوع است

جذب جوان به مسجد معنا ندارد چون خواسته های جوان و مسجد یکی است

جوان دل مرده یا افسرده بهتر است یا میانسال و کهنسال زنده دل؟

### زن جوان و مسجد:

برای حضور زن در مسجد نه جوانی مانع است نه پیر بودن و امنیت شرط آن است. لذا مراجع مثل امام برای حضور زنان در مسجد شرط و محدودیتی قائل نیست.

---

۱. همانند اینکه کشورهای غربی و عربی ما را متهم به تبعیض زن و مرد می‌کنند. در حالی که باید نیمی از رؤسای جمهور و وزرا و رانندگان همه کشورهای زن باشند که نیستند در صورتی که در کشور ما شاید رانندگی زنان در بعضی شهرها و کارمندی و کارگری زنان از بعضی کشورهای بیش تر باشد و ما غافلیم که آنچه را برای خود نمی‌پسندند برای ما تجویز کرده و بعد بر ما تحمیل می‌کنند.  
<sup>۲</sup>. هود/ ۴۸

جوانی زنان نزدیک دو برابر مردان است چون از ۹ سالگی شروع و تا بعد از پنجاه سالگی ادامه دارد در حالیکه مردان بعد از ۱۵ سالگی بالغ و حدود ۴۰ سالگی کامل می‌شوند زنان جوان گرچه کارهای خشن نمی‌کند اما هنر بالائی دارد.

علاوه بر آن که به دلیل نداشتن مشاغل سخت کم تر از مردان در حوادث و اتفاقات فوت یا آسیب می‌بینند (سالانه حدود سی هزار فوت به دلیل تصادفات داریم که کمتر ۱۰ درصد زنان هستند) و تعدادشان کمتر از مردان نیست. گرچه جسارت های جوانی را کمتر دارند به دلیل عاطفه و عفت اما موانع پسران را هم ندارند لذا زمان جوانی زنان از پسران کمتر نیست بلکه بیشتر است و در مسجد حضور بهتر و بیشتری دارند چون زنان زودتر بالغ شده و دیرتر پیر می‌شوند و معمولاً پسران بعد از ازدواج کمتر احساس جوانی ولی دختران همچنان بعد از ازدواج هم جوانی دارند خصوصاً که زنان منشأ عاطفه و دوستی هستند که جوانی را با این دو می‌شناسند (لذا در وقایع و حوادث عاطفی جوانان زود تر و عمیق تر تحریک می‌شوند) که مسجد محل عشق و عاطفه آن است و عاشق زیبایی و جمال هستند که مسجد مرکز آن است. «خذوا زیتکم عند کل مسجد» لذا حضور زنان در مسجد هیچ قید و شرطی ندارد و مردان موظف به اجازه دادن و برطرف کردن موانع حضور زنان هستند ولی زنان بدلیل موانع از مسجد محروم نیستند.

اینکه بعضی از شرایط حضور زنان را امنیت دانسته اند نه سند دارد و نه دلیل.

جوانی مردان تحت تاثیر جوانی زنان است، اگر زن جوانی و شادابی نداشته باشد خانواده افسرده و سرد خواهد بود و اگر زن ویژگی های جوانی را داشته باشد نه تنها شوهر بلکه فرزند و برادر و حتی پدر را جوان و شاداب می‌کند.

### برکات روی آوردن جوانان به مسجد:

بهترین جوان برای مسجد و بهترین جا برای جوان همانا مسجد است

۱. نشاط و و عدم افراط و تفریط در برنامه های زندگی
۲. مهاجم بودن جوانان نه منفعل شدن و تحت تاثیر قرار نگرفتن در مقابل تهاجم فرهنگی
۳. عدم نزول عذاب الهی بخاطر حضور جوانان در مسجد
۴. تقویت بسیج عمومی در سوانح و وقایع
۵. دور بودن جوانان از احزاب فریبنده و افراط و تفریط (المومن فی المسجد کالسمک فی الماء و المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس)
۶. دور بودن از شر شیطان و از وسواسی شدن
۷. پر کردن اوقات فراغت با بهترین کار حی علی خیر العمل
۸. تقویت بنیه اعتقادی در مسجد
۹. تقویت نظام و اسلام و ولایت و رهبری بدون سختی ها و گرایش زشت امروزی
۱۰. بهترین مسجد آنستکه بیشترین جوان را داشته باشد چون بهترین اهل مسجد جوانند
۱۱. وقتی اندوه و غم آمد بهترین کار برای جوان مسجد رفتن است
۱۲. بهترین تفرجگاه و سیاحت جوان مسجد است

مسابقه یکی از خواسته های جوانان است و ویژگی های شخص ممتاز محبوب و الگوی جوانان می باشد و مسجد و حضور در آن مصداق فاستبقوا الخیرات

مسجد جوان را سرخورده و بی هویت نمی کند و مراکز دیگر این مشکل را دارد مثل دختر بازی و قمار

علم که یکی از فوائد مسجد است من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان ... علما مستطرفا که از نشانه های علم در مسجد است:

۱. علمی که مقدمه ندارد و دفعتا حاصل می شود
۲. علاوه بر ثمره علمی ثمره عملی هم دارد
۳. علم نو و جدید
۴. علوم کاربردی و همراه با تجربه
۵. تغییر رشته آزاد. هر روز می تواند پای منبر و درس که خواستی بروی
۶. بهترین آموزش با کمترین وسائل کمک آموزشی
۷. فضای مقدس مسجد و محراب و منبر که قهرا علم هم مقدس و در خدمت جامعه خواهد بود نه هر علمی
۸. کنکور طهارت و دوست داشتن پاکی است که برای همه میسر است
۹. حضور و غیاب ندارد چون هر کس بر خود واجب می داند طلب العلم فریضه
۱۰. فارغ التحصیل ندارد چون انسان همیشه نیاز به علم دارد مکان و زمان و شرایط پایان ندارد و عنوان فارغ التحصیلی برای انسان خصوصا جوان باعث رکود و افسردگی می شود
۱۱. همراه علم ایمان و تربیت است علم تنها در مسجد ممنوع است و مصداق لا ینفع است (الهی اعوذ بک من علم لا ینفع است)
۱۲. تجدد و رد شدن هم ندارد چون نیت پاکی از جهالت و رذالت شرط است فیه رجال یحبون ان یتطهروا
۱۳. فراگیر است علوم مسجدی و دینی بهم پیوسته است نه مثل بعضی علوم که فقط در مورد خودش مفید است. از فرش تا عرش گسترده است

موانع حضور جوانان در مسجد:

۱. خانواده: عدم حساسیت والدین و عدم مراعات نکات تربیتی در طفولیت
۲. ندادن ارزش به دینداری
۳. ناهماهنگ بودن شرایط اجتماعی مثل صدا و سیما مدارس دانشگاهها ادارات بازار و غیره
۴. خشونت امام و والدین
۵. تبلیغات سوء علیه مسجد و روحانیت
۶. نبودن مسجد و فرهنگ دینی در مدارس
۷. انحصاری شدن مسجد برای پیران و سالخوردهگان

۸. عدم تنوع
۹. طولانی بودن مراسم
۱۰. انحرافات و بدعت
۱۱. تناقض در گفتار و کردار
۱۲. کمرنگ شدن معنویت و ارزش بودن مادیات در ازدواج و شغل و غیره
۱۳. مواد مخدر
۱۴. عدم ازدواج در سنین پایین
۱۵. جناح‌بندی‌های سیاسی
۱۶. نداشتن عقاید صحیح
۱۷. عقده ای و سرخوردگی
۱۸. برداشت غلط از دین
۱۹. مورد خطاب نبودن جوانان
۲۰. ندانستن آثار و برکات مسجد

جوان دارای هماهنگی روح و جسم توانمندی ابتکار شجاعت و تهور است

چون تعصب و تکبر و خودخواهی در آنها رشد نکرده آمادگی الگو را دارند شرایط الگو بی پیرایه بودن صراحت عدالت محبت خفص جناح ارزش بودن

نتیجه این که در همه عرصه های سیاسی فرهنگی و جوان‌ها پیشگام هستند

مسجد بهترین مکان ملاقات، سالم ترین تفرجگاه، بهترین سرگرمی، بهترین آموزشگاه، بهترین پرورشگاه، بهترین مکان برای تقویت روح و جایی که از دست شیاطین در امان هستند

ویژگی های جوانان: دارای نشاط بودن، انزوا، تنفر از سرهم بندی و سرگرمی، عدالت خواهی، قاطعیت، جذب سریع، اقدام سریع، عدم مصلحت اندیشی، ماجراجویی، جوانمردی، تواضع، محبت، مسئولیت، حماسه سازی، ابتکار، الفت، ادب، احترام، همدردی، رفاقت، محبت، روحیه، زمینه فکری و رشد

خوبی های مسجد برای جوانان هماهنگ بوده

سوالات آسیب شناسی فرهنگی جوانان:

۱. چرا هر جا خدمات فرهنگی و رسانه بیشتر است جوانان کمتر مسجدی اند

۲.